



درآمدی بر مناقب نگاری اهل بیت

پدیدآورده (ها) : اصغرپور، حسن
علوم قرآن و حدیث :: علوم حدیث :: پاییز و زمستان 1386 - شماره 45 و 46 (علمی-
پژوهشی)
از 265 تا 298
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/248745>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 06/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

درآمدی بر مناقب‌نگاری اهل‌بیت علیهم‌السلام

حسن اصغرپور*

چکیده

بخش قابل توجهی از میراث حدیثی ما را روایات مناقب و فضایل تشکیل می‌دهند. در این دسته روایات، از برتری و یکه‌تازی یک فرد یا گروه بر دیگر افراد یا گروه‌ها در یک یا چند زمینه سخن به میان آمده است. عقل سلیم و فطرت پاک انسانی همواره به برتری و تقدّم افضل بر مفضول حکم رانده است. از این رو، تکاپو بر سر طرح فضایل و مناقب از دهه‌های آغازین اسلام، در گفت و شنودها به چشم می‌خورد. از آنجا که موضوع فضایل و مناقب بستر مناسبی برای پیدایش جعل و وضع بوده، این پدیده ناگوار بخشی از میراث حدیثی این حوزه راه آلوده ساخته است. نگارندگان و مؤلفان بسیاری در تاریخ اسلام، در زمینه مناقب و فضایل اهل‌بیت علیهم‌السلام و مثالب دشمنان آنها قلم زده‌اند. در نتیجه، در عرصه مناقب‌نگاری نیز، همچون دیگر عرصه‌ها، با تنوع و تعدّد گونه‌های تألیف روبه‌رو هستیم. در بحث مناقب و فضایل، جنبه‌های گوناگون مناقب فردی (ذاتی یا اکتسابی)، گروهی، قبیله‌ای، ملیتی و ... مطرح شده است. در این پژوهش به بحث و گفتگو درباره موضوعات فوق خواهیم پرداخت. **کلید واژه‌ها:** مناقب، فضایل، اهل‌بیت، مناقب‌نگاری.

مقدمه

مناقب‌نگاری یکی از سبک‌های تألیف در حوزه تدوین حدیث به‌شمار می‌رود. و تاریخچه نگارش در این حوزه به سده‌های نخستین تاریخ اسلام باز می‌گردد. مناقب‌نگاری در سده‌های نخستین اسلامی به عنوان یک سبک نگارشی مجزا و شناخته‌شده در کنار دیگر سبک‌ها و گونه‌های تألیف رواج داشته است.

صدور احادیث نبوی در منقبت و فضیلت اهل‌بیت علیهم‌السلام شور و انگیزشی در اندیشه برخی محبّان و

ارادتمندان آستان نورانی آنان برپا کرد تا کشاکش فراز و نشیب‌های سیاسی و اجتماعی تاریخ اسلام به نگارش کتاب‌ها و رساله‌هایی در منقبت و فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام دست زنند. زنده نگاه داشتن نام و یاد اهل بیت علیهم‌السلام و اشاره به مناقب و فضایل آنان، آتش دشمنی و کینه‌توزی را در دل بسیاری از مخالفان آنان شعله‌ور ساخت، از این رو، از سر حق‌ستیزی، حسدورزی و منفعت‌طلبی سیاسی بر آن شدند تا گاه از رهگذر منع نقل و تدوین این‌گونه روایات از گسترش آنها جلوگیری کرده و گاه با دست یازیدن به حربه جعل و وضع، میراث حدیثی مناقب و فضایل را آلوده سازند. از تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه می‌توان به درپیش‌گرفتن سیاست منع نقل و تدوین حدیث، جعل و وضع احادیث در منقبت و فضیلت خلفا و صحابه و شکنجه و آزار شیعیان و دوست‌داران اهل بیت علیهم‌السلام اشاره کرد. در این پژوهش، به فراخور بحث، از این حقایق سخن خواهیم گفت.

در بخش دیگری از این پژوهش، از نخستین جایگاه استشهاد به فضایل فردی یا گروهی و رویارویی دو گروه از مسلمانان با هدف دستیابی آرمان مشخص، سخن خواهیم گفت. از آنجا که در عرصه مناقب نگاری نیز، همچون دیگر عرصه‌های تألیفات حدیثی، با تنوع سبک‌های نگارشی روبه‌رو هستیم، در بخش دیگری از پژوهش خود به گزارش و بررسی سبک‌های مختلف نگارشی در این زمینه و ذکر نمونه‌هایی از هر گونه خواهیم پرداخت. در بخش پایانی، مهم‌ترین عرصه‌ها و موضوعات مطرح را در زمینه مناقب و فضایل از رهگذر روایات موجود در نخستین جوامع حدیثی، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

معنای لغوی و اصطلاحی واژگان «مناقب» و «فضایل»

معنای لغوی واژه «مناقب»

ریشه «ن ق ب» در لغت به معانی متعددی به کار رفته است که وجه اشتراک آن معانی عبارت است از: ایجاد شکاف (در بدن، پوست یا دیوار) یا گشایش (در کار و ...)؛^۱ از این ریشه، مشتقات بسیاری با معانی گوناگون ساخته شده که در کتاب‌های لغت بدان‌ها اشاره شده است. یکی از این مشتقات واژه «منقبت»، مفرد «مناقب» است. این واژه در کاربرد لغوی، به معانی گذرگاه باریک میان دو خانه (که عبور از آن دشوار و گاه غیرممکن است)،^۲ گذرگاه کوهستانی،^۳ فضیلت،^۴ معجزه،^۵ مایه سربلندی و مباهات یا هرچیز غرور آفرین (مفخرة)^۶ و ستایش و تمجید (أمدوحة)^۷ به کار رفته است.

۱. کتاب المین، ج ۵، ص ۱۷۹؛ ترتیب إصلاح المنطق، ص ۳۸۶؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۶۵ و ۴۶۶.

۲. لسان العرب، ج ۱، ص ۷۶۷؛ غریب الحدیث، ج ۳، ص ۱۲۱؛ تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱، ص ۴۹۱.

۳. مفردات غریب القرآن، ص ۵۰۳؛ ترتیب إصلاح المنطق، ص ۳۸۶؛ معجم مقاییس اللغة، ص ۴۶۶.

۴. مجمع البحرین و مطلع النیرین، ج ۴، ص ۳۵۸.

۵. همان.

۶. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱، ص ۴۹۳.

معنای اصطلاحی واژه «مناقب»

واژه «منقبت» در اصطلاح به معنای صفات نیکو و برجسته و فضایل اخلاقی و رفتاری^۸ به کار می‌رود. در مقابل این واژه، واژه «مثلبت» (مفرد مثالب) به معنای نقیصه، کاستی و یا زشتی^۹ قرار دارد. منقبت یا مناقب راه یا راه‌هایی هستند که ما را در شناخت حقیقت وجودی صاحبان این صفات برجسته و نیکو یاری می‌رساند.

از آنجا که واژه «فضایل» با واژه «مناقب» هم‌معنا بوده و در بسیاری موارد به جای یکدیگر و به یک معنا به کار رفته‌اند، دقت نظر در معانی لغوی و اصطلاحی این واژه نیز ضروری به نظر می‌رسد.

معنای لغوی واژه «فضایل»

واژه «فضیلت» (مفرد فضایل) از ریشه «فضل» مشتق شده و در مقابل «نقیصه»^{۱۰} قرار دارد که در کاربرد لغوی، به معنای «احراز برتری درجه در اثر انجام فضل (احسان، نیکی و...)»^{۱۱} به کار رفته است.

معنای اصطلاحی واژه «فضایل»

با توجه به معنای لغوی این واژه، فضیلت یا فضایل عبارت است از صفت یا صفات برجسته و نیکویی که سبب برتری یک فرد یا گروه نسبت به دیگران می‌شود.

استشهاد به فضایل و مناقب، چرا و چگونه؟

نگاهی تاریخی به رویدادهای واپسین دوران زندگانی پیامبر ﷺ و اندکی پس از وفات ایشان، از یک حقیقت تاریخی پرده برمی‌دارد و آن، این‌که نخستین و جدی‌ترین عرصه رویارویی دو گروه از مسلمانان، برای دستیابی به یک آرمان مهم سیاسی، «رخداد سقیفه» است؛ رخدادی که در پی آن، دو گروه مهم جامعه اسلامی آن روزگار، یعنی مهاجران و انصار، رو در روی یکدیگر ایستاده و با نادیده گرفتن بسیاری از حقوق و حقایق، برای در دست گرفتن جایگاه مهم خلافت، به اثبات لیاقت خویش پرداخته و فضایل و مناقب خویش را پیش کشیدند.

گذشته از درستی یا نادرستی گفته‌های این دو گروه، آنچه برای ما از اهمیت بسزایی برخوردار است، آن است که در این رویداد مهم تاریخی برای نخستین بار به فضایل و مناقب فردی و گروهی

۷. معجم مقایس اللغة، ج ۵، ص ۳۰۸.

۸. کتاب العین، ج ۵، ص ۱۸۰؛ مفردات غریب القرآن، ص ۵۰۳؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۷۶۸ و ۷۷۰؛ تاج المروس من جواهر القاموس، ج ۱ ص ۴۹۳؛ معجم مقایس اللغة، ج ۵، ص ۴۶۶.

۹. لسان العرب، ج ۱، ص ۷۶۸؛ تاج المروس من جواهر القاموس، ج ۱، ص ۴۹۳.

۱۰. الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۵، ص ۱۷۹۱؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۲۴؛ مجمع البحرین و مطلع الثیرین، ج ۳، ص ۴۰۹.

۱۱. کتاب العین، ج ۷، ص ۴۴؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۲۴؛ القاموس المحیط، ج ۴، ص ۳۱؛ مجمع البحرین و مطلع الثیرین، ج ۳، ص ۴۰۹.

برای دستیابی به یک هدف مهم، یعنی جانشینی رسول خدا ﷺ، استشهداد شده است. در ادامه، به صورت فهرست‌گونه، فضایل و مناقبی را که هر یک از دو گروه انصار و مهاجران، در روز سقیفه، برای خویش برشمردند، از نظر خواهیم گذراند.^{۱۲}

مناقب و فضایل انصار

مناقب انصار از نگاه سعد بن عبادہ^{۱۳}

۱. سابقه در دینداری،
۲. ایمان به خدا و فرستاده او،
۳. حمایت و پشتیبانی از رسول خدا ﷺ و آیین او،
۴. نبرد با دشمنان رسول خدا ﷺ،
۵. سر تسلیم فرود آوردن اعراب در برابر پیامبر ﷺ به واسطه رشادت‌ها و جنگ‌آوری‌هایی انصار،
۶. رضایت پیامبر ﷺ از انصار به هنگام وفات،
۷. معرفی انصار به عنوان سپاهیان مستحکم اسلام و یاری‌دهندگان [دین] خدا.

مناقب انصار از نگاه حُباب بن مُنذر^{۱۴}

۱. شمار افزون و توان بسیار،
۲. اسلام آوردن مردم به برکت شمشیرهای انصار (جهاد و جانفشانی انصار در راه خدا).

مناقب انصار در بیان ابوعبیده جراح

پیش‌گامی انصار در پناه دادن به رسول خدا ﷺ و یاری رساندن به او.

مناقب انصار از نگاه بشیر بن سعد^{۱۵}

جهاد و پیکار با مشرکان و سابقه در دین.

مناقب و فضایل مهاجران

مناقب مهاجران از نگاه ابوبکر

۱. برخورداری از شرافت قبیله‌گی،

۱۲. المصنّف، ج ۵، ص ۴۴۲۴۴۵؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۶۹؛ صحیح البخاری، ج ۸، ص ۲۷؛ السقیفة و فدک، ص ۵۶ - ۶۶؛ صحیح ابن حبان، ج ۲، ص ۱۵۰؛ الثقات، ج ۲، ص ۱۵۴ - ۱۵۵؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۳۰، ص ۲۸۵؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۲۷۳۳۱؛ شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۴۲۶؛ تاریخ الإسلام، ج ۳، ص ۵ - ۸؛ إفتاح الأسماع، ج ۱۴، ص ۵۵۷ - ۵۵۸.

۱۳. انصار از دو قبیله اوس و خزرج تشکیل یافته بود که «أسید بن حُصَیر» رهبری قبیله اوس و «سعد بن عباد» رهبری خزرج را بر عهده داشتند.

۱۴. حُباب بن منذر بن جموح یکی از سران انصار به شمار می‌رفت.

۱۵. بشیر بن سعد خزرجی از سران و بزرگان قبیله خزرج بود که به سعد بن عباد رشک می‌ورزید. حُباب بن منذر بن جموح یکی از سران انصار به شمار می‌رفت.

۲. پیشگامی در پاسخ‌گویی به دعوت رسول خدا ﷺ و تصدیق او،
۳. یاری و همراهی رسول خدا ﷺ،
۴. بردباری در راه اسلام و تحمل آزارها و مخالفت‌های دشمنان،
۵. معرفی مهاجران به عنوان نخستین عبادت‌کنندگان خداوند و ایمان آوردن‌گان به فرستاده او،
۶. برخورداری از افتخار دوستی، نزدیکی و هم‌قبیله‌گی با رسول خدا ﷺ.

مناقب مهاجران از نگاه عمر بن خطاب

برخورداری از افتخار دوستی، نزدیکی و هم‌قبیله‌گی با رسول خدا ﷺ.

مناقب ابوبکر در بیان عمر و ابوعبیده

۱. برترین و با فضیلت‌ترین مهاجران،

۲. جانشین پیامبر ﷺ در نماز.

گذشته از آنچه در سقیفه روی داد، نتیجه‌ای که با بحث ما ارتباط دارد، آن است که تنوع و تعدد مناقب فردی و گروهی همواره نقش بسزایی در تعیین جایگاه اجتماعی یک فرد یا گروه ایفا نموده است. هرچند بخشی از مناقب و فضایل مورد استشهاد از سوی دو گروه، ریشه در تعصبات قومی قبیله‌ای داشته و به دور از حق و حقیقت، تنها با هدف رویارویی با جبهه مخالف بیان شده، اما به خوبی روشن شد که چگونه در صحنه رویارویی مهاجران و انصار، تنوع و تعدد فضایل مهاجران سبب شد تا آنان در این عرصه رقابت بر گروه رقیب پیشی گیرند.

به راستی کدام عامل سبب شد تا افکار عمومی آن روزگار به برتری مهاجران بر انصار و پذیرش

خلافت آنان حکم کنند؟

در پاسخ باید گفت: عقل سلیم به برتری فرد افضل (یا فاضل) بر مفضول در هر امری حکم می‌کند. همواره و در هر عصری سیره عقلا بدین گونه بوده که در هر مسأله مهمی که نیازمند انتخاب و گزینش است، به برتری و تقدّم افضل بر مفضول حکم رانده‌اند.^{۱۶} برخی نیز گزینش افضل بر مفضول را برخاسته از فطرت انسانی می‌دانند.^{۱۷} با این مقدمه می‌توان به سؤال فوق پاسخ گفت. آری، هر یک از دو سوی نزاع در رخداد سقیفه به خوبی می‌دانستند که گروهی پیروز عرصه خواهد بود که برتری مناقب و فضایل خود را بر دیگری دیکته کند. در این صورت، افکار عمومی به خودی خود و بر پایه ندای عقل و فطرت افضل را بر مفضول مقدم خواهند داشت.

۱۶. البته نباید از نظر پنهان داشت که برخی همچون معتزله، نه تنها تقدیم مفضول بر افضل (فاضل) را قبیح ندانسته، بلکه جایز می‌شمردند؛ به عنوان نمونه، ابوجعفر اسکافی (م ۲۴۰ق)، امامت مفضول بر فاضل را از لحاظ دینی درست و جایز می‌داند. ابن ابی الحدید معتزلی نیز تقدیم مفضول بر افضل را جایز و بر پایه مصلحت و خواست الهی ذکر می‌کند. برای آگاهی بیشتر رک: المعیار والموازنة، ص ۴۲ و ۴۳؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳.

۱۷. علی عاشور در کتاب النص علی امیر المؤمنین تحت عنوان «أدلة حسن تقديم الفاضل» می‌گوید: «تقديم افضل بر مفضول امری فطری است و هر عقل سلیمی به خودی خود آن را می‌پذیرد». (النص علی امیر المؤمنین، ص ۱۹۶).

ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که بسیاری از عالمان پیشین در کتاب‌های خود به فراخور بحث از قاعده عقلانی «تقدم افضل بر مفضول» سخن گفته و آن را در شمار بدیهیات عقلانی دانسته‌اند. قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ق) در مقدمه کتاب المناقب والمثالب، انکار برتری افضل از سوی مفضول را یک حقیقت تلخ تاریخی برشمرده و گوید:

این حقیقت تلخ تاریخی هم‌اکنون جریان دارد و در آینده نیز جریان خواهد داشت. انکار برتری افضل از سوی مفضول، نخستین اشتباه و گناهی است که انس و جن در آسمان‌ها و زمین مرتکب شده‌اند. نزاع و کشمکش بر سر فضیلت و برتری با صاحبان فضایل، همه شرف و منزلت پیشین را از بین می‌برد. ماجرای سریچی ابلیس از سجده بر آدم علیه السلام و دشمنی قایل با هابیل بر سر پذیرش قربانی، نمونه‌هایی از رویارویی افضل و مفضول به‌شمار می‌روند.^{۱۸}

سید مرتضی (م ۴۳۶ق) بر اساس سیره عقلا و ابوصلاح حلبی (م ۴۴۷ق) تقدیم مفضول بر افضل را در هر کاری قبیح می‌شمرد.^{۱۹} ابوالفتح کراچکی (م ۴۴۹ق) نیز تقدیم مفضول بر افضل را از مصادیق ظلم و جور ذکر می‌کند.^{۲۰}

رخداد تاریخی «منع نقل و تدوین حدیث» و رابطه آن با احادیث فضایل اهل بیت علیهم السلام

یکی از رخدادهای مهم تاریخی که در متون تاریخ حدیث بدان اشاره شده، رخداد «منع نقل و تدوین حدیث» است. عالمان بسیاری در آثار خویش به بررسی ابعاد گوناگون این واقعه تاریخی پرداخته‌اند؛ ریشه‌یابی، نقد یا توجیه ادله مانعان نقل و تدوین حدیث، بررسی افکار و جریانات سیاسی اثرگذار در این پدیده، آسیب‌شناسی و اشاره به پیامدها و ده‌ها موضوع دیگر در این کتاب‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

پدیده «منع تدوین حدیث» زائیده اجتهاد و رأی صحابه است و در روایات نبوی اثری از آن به چشم نمی‌خورد.

از آنجا که بخش گسترده‌ای از احادیث نبوی صلی الله علیه و آله درباره اهل بیت علیهم السلام، با منافع و مصالح دستگاه حاکم در تقابل و تضاد بوده و پایه‌های حکومت آنان را متزلزل می‌ساخته است، دستگاه حاکم اموی و کارگزاران آنها بر آن شدند تا از نشر و گسترش آنها جلوگیری کنند.

در این روایات به فضیلت و برتری اهل بیت علیهم السلام و شایستگی آنان برای دستیابی به منصب خلافت اشاره و از آنان به عنوان همراهان و هم‌نشینان قرآن یاد شده است. به روشنی پیداست که گسترش این روایات در میان مردم، ضمن پرده‌برداری از ماهیت واقعی خلفا، افکار مردم را به سوی اهل بیت علیهم السلام و حمایت از آنها رهنمون می‌ساخت.

۱۸. المناقب والمثالب، ص ۲۰.

۱۹. الشافی فی الإمامة، ج ۲، ص ۴۱؛ تقریب المعارف، ص ۱۵۰.

۲۰. المتعجب بین أغلاط العامة فی مسألة الإمامة، ص ۷۰.

این در حالی است که نقل یا تدوین سایر احادیث نبوی ﷺ خواه در زمینه احکام و فرائض و خواه در زمینه آداب و سنن - که موجودیت دستگاه حاکم را تهدید نمی‌کرد - در دوران خلافت خلفای سه‌گانه و حکام اموی از محدوده منع حکومتی خارج بود. سخن عمر بن خطاب به این حقیقت اشاره دارد. آنجا که گوید:

أَقْلُوا الزَّوَايَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَّا فِيمَا يَعْمَلُ بِهِ.^{۲۱}

با اندکی تأمل در آنچه گذشت، به این نتیجه می‌رسیم که «منع رسمی تدوین حدیث» بهترین تدبیر سیاسی برای رویارویی با اهل بیت ﷺ و دور ساختن آنها از جایگاه خلافت رسول خدا ﷺ به‌شمار می‌رفته که دشمنان اهل بیت ﷺ پس از وفات پیامبر ﷺ برای دستیابی به اهداف خود در پیش گرفتند. ناگفته خود پیداست که لازمه این موضع‌گیری حکومتی و سیاسی، پنهان ساختن یا محو نمودن آن دسته احادیث نبوی ﷺ است که به خلافت امام علی و امامت ائمه ﷺ پس از پیامبر ﷺ اشاره دارد.^{۲۲}

پیامد اسفبار سیاست «منع نقل و تدوین حدیث» از سوی خلفای بنی‌امیه

با ادامه سیاست «منع نقل و تدوین حدیث» از سوی خلفای اموی تا پایان قرن نخست، معارف و حقایق سرشار روایاتی که به فضایل و مناقب اهل بیت ﷺ اشاره داشتند، به‌گونه محسوسی به فراموشی سپرده شد و حاکمان جور، در این فرصت تاریخی، به اهداف سیاسی مدنظر خویش دست یافتند. از این رو، نقل و گسترش این‌گونه احادیث، پس از قرن اول هجری، از سوی دستگاه حاکم با هیچ‌گونه منع و تقابلی روبه‌رو نمی‌شود.

مهم‌ترین پیامد رخداد منع نقل و تدوین حدیث

مهم‌ترین پیامد این رخداد عبارت بود از دور شدن مردم جامعه از اهل بیت پیامبر ﷺ که سفیران وحی، هدایت‌کنندگان به سوی نور، معتمدان امت اسلامی و عالمان و هم‌نشینان قرآن به‌شمار می‌رفتند.^{۲۳}

حاکمان اموی با تکیه بر پندار و رفتار باطل خویش و با بهره‌گیری از کارگزاران بی‌کفایت و سنگدل کوشیدند تا به این هدف ناحق خویش جامه عمل ببوشانند. تبلیغات منفی بر ضد اهل بیت ﷺ و پنهان نگاه داشتن فضایل و مناقب آنها و در مقابل تبلیغات دروغین و بی‌پایه در مشروع جلوه دادن اقدامات حاکمان اموی و جعل احادیثی در فضایل خلفا و صحابه مهم‌ترین نقشه‌ها و اقدامات خلفای اموی در به‌انزوا کشیدن اهل بیت ﷺ و شیعیان و محبان آنها و در نتیجه، دور ساختن افکار جامعه از

۲۱. تدوین السنة الشریفة، ص ۴۱۴ به نقل از البدایة و النهایة، ج ۸، ص ۱۰۷، المصنف، ج ۱۱، ص ۲۶۲.

۲۲. تدوین السنة الشریفة، ص ۴۱۵.

۲۳. همان، ص ۴۸۳.

مسیر حق و حقیقت به شمار می‌رود.

مبارزه و رویارویی معاویه با نشر فضایل اهل بیت (ع)

ابن ابی الحدید معتزلی به نقل از ابوالحسن مدائنی در کتاب الأحداث گوید:

معاویه پس از عام الجماعة (سال چهل هجری) دستور حکومتی یکسانی برای کارگزاران خود در شهرهای مختلف نوشت مبنی بر این‌که:

من نسبت به کسی که فضایل ابوتراب (امام علی (ع) و اهل بیت او را نقل کند، هیچ‌گونه تعهدی ندارم [و مسؤولیت عواقب کار او را به گردن نمی‌گیرم].^{۲۴}

همو افزوده:

معاویه به کارگزاران خود فرمان داد تا شیعیان، دوستان و نزدیکان عثمان و کسانی را که از فضایل و مناقب او سخن می‌گویند، به خود (دستگاه حکومت) نزدیک ساخته و در بزرگداشت آنان بکوشند و نام ایشان و نام پدران و خاندانشان و آنچه را نقل می‌کنند برای او بنویسند [تا آنان را ارج نهد].^{۲۵}

بدین ترتیب، فضایل و مناقب بسیاری برای عثمان بر ساختند؛ زیرا معاویه با ارسال هدایا و پادشاهی (لباس‌های گران‌قیمت، قطعه زمین، پست و مقام اجتماعی و...) از آنان حمایت می‌کرد. اندکی بعد، معاویه به کارگزاران خود دستور داد تا دستور پیشین را کنار نهاده، مردم را به سخن گفتن درباره فضایل صحابه و خلفای نخستین [ابوبکر و عمر] فراخوانند. همچنین از آنان خواست تا به ازای هر خبری که مسلمانان درباره [فضایل] ابوتراب نقل می‌کنند، خبری برای صحابه نیز جعل و برای او بفرستند.^{۲۶}

مدائنی در ادامه به با اشاره به روند پیدایش و گسترش جعل حدیث در میان اقشار مختلف مردم، به دستور حکومتی دیگری از سوی معاویه در رویارویی با شیعیان و محبان اهل بیت (ع) اشاره کرده است:

و بدین ترتیب دستورات معاویه بر مردم خوانده شد. اخبار زیادی در زمینه مناقب صحابه جعل شد که هیچ‌گونه پایه و اساسی نداشت. مردم در نقل این‌گونه روایات کوشش به خرج می‌دادند. بر فراز منبرها از این روایات سخن رفت. آموزگاران مکتب‌خانه‌ها بسیاری از این روایات را به کودکان و نوجوانان آموختند و آنان نیز همچون قرآن آنها را فرا گرفته و اندکی بعد به زنان، دختران و خدمتگزاران خویش آموختند. روزگار بسیاری بدین منوال گذشت.

به گزارش مدائنی، معاویه به کارگزاران خود در سراسر سرزمین‌ها نوشت:

۲۴. «برئت الذمة بمن روى شيئا في فضل أبي تراب وأهل بيته». (همان، ص ۴۷۵). به نقل از شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۶۴۴.

۲۵. همان، ص ۴۷۵.

۲۶. همان.

خوب بنگرید. هر کس را یافتید که دوستی علی و اهل بیتش را در دل می‌پروراند، نامش را از دیوان پاک ساخته، و حقوق و سهم او را [از خزانه حکومتی] قطع کنید.

ویران ساختن خانه‌های شیعیان و دوست‌داران امام علی علیه السلام و شکنجه و آزار آنان در دستور کار قرار گرفت. معاویه به دنبال این نامه دستور داد تا هر که را به دوستی و محبت این خاندان متهم می‌سازند، شکنجه داده و خانه‌اش را ویران سازند.^{۲۷} بدین ترتیب، روایات موضوع و بهتان‌های فراوانی گسترش یافت. فقیهان، قاضیان و والیان بسیاری این دسته روایات را پایه کار خویش قرار دادند. در این میان بزرگ‌ترین بلایی که بر دوش مردم سنگینی می‌کرد، بلای [حضور] قاریان ریاکار و زاهد نمایان به ظاهر مستضعف [در جامعه] بود؛ کسانی که با بر ساختن احادیث سعی داشتند تا خود را در دیدگان والیان، عزیز ساخته و با نزدیکی به آنان از بهره‌داری‌ها، زمین‌ها و خانه‌های [باشکوه] بی‌نصیب نمانند. این دسته اخبار و روایات ساختگی به دست دین‌داران رسید. آنان - که خود از دروغ و بهتان دوری می‌گزیدند - بی‌خبر از حقیقت، با راست و درست انگاشتن این روایات، آنها پذیرفته و برای دیگران روایت کردند. این درحالی بود که اگر آنان از بطلان این روایات آگاه بودند، هیچ‌گاه به نقل آنها نپرداخته و بدان‌ها تدین نمی‌ورزیدند.^{۲۸}

در گزارشی دیگری از کتاب مدائنی آمده است:

خطیبان در هر کوی و برزنی، بر فراز منابر، به لعن علی علیه السلام و اظهار برائت و دوری از او پرداخته و به بدگویی درباره وی و اهل بیتش همت گماردند. در چنین شرایطی، کوفه - که عده زیادی از شیعیان و محبان علی علیه السلام را در خود جای داده بود - آماج بلاها و سختی‌ها قرار گرفت. معاویه، با آگاهی از این موضوع، زیاد بن سمیه را بر آنان گماشت. او نیز [در نهایت سنگ‌دلی] در کوفه به جستجوی شیعیان پرداخت. هر کجا که دستش به شیعیان می‌رسید، آنان را از دم تیغ می‌گذراند. ترس و وحشت را در دل آنان جای داد. [به دستور او] دست‌ها و پاهای بسیاری را قطع کردند. چشم‌های زیادی را کور ساختند. بسیاری را بر فراز درختان خرما دار زدند. گروهی را از سرزمین‌های عراق بیرون راندند و بدین ترتیب شخص شناخته شده‌ای از شیعه در کوفه باقی نماند. همچنین معاویه به کارگزاران خود دستور داد تا شهادت شیعیان علی و اهل بیتش را [در محکمه‌ها] نپذیرند.^{۲۹}

بدین ترتیب، معاویه با تلاشی افزون‌تر و گسترده‌تر، سیاست خلفای پیشین را در مخفی نگاه داشتن فضایل اهل بیت علیهم السلام و دور ساختن مردم از آنان در پیش گرفت.

۲۷. این گونه سخت‌گیری‌ها و تدابیر شدید حکومتی در عراق و بویژه کوفه به اوج خود رسیده بود. به گونه‌ای که گاه فردی از شیعیان علی علیه السلام که به دیدار دوست خویش در کوفه می‌آمد، از سخن گفتن درباره اسرار خود با وی، در حضور خدمتکار او، ایمن نبود. از این رو تا عهد و پیمان [رازداری] را با او محکم نمی‌ساخت، سر خویش را با او بازگو نمی‌کرد.

۲۸. همان، ص ۴۷۵ و ۴۷۶.

۲۹. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۴؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۳۳، ص ۱۹۱، هر دو به نقل از مدائنی در کتاب الأحداث؛ حیات الإمام الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۱۵۴.

مبارزه و رویارویی دیگر خلفای اموی با نشر فضایل اهل بیت

مدائنی در بخش دیگری از کتاب خود، گزارش دقیقی از اوضاع سیاسی اجتماعی شیعه پس از شهادت امام علی (ع) و در دوران امامت حسن (ع) و پس از آنها ارائه می‌کند. او با اشاره به تداوم فشار و سخت‌گیری دستگاه حاکم نسبت به شیعیان و محبان اهل بیت (ع) گوید:

فشارها و آزارهای دستگاه حاکم اموی تا زمان درگذشت حسن بن علی (ع)، گریبان‌گیر شیعیان و محبان اهل بیت (ع) بود. با درگذشت حسن بن علی (ع)، آتش بلاها و مصیبت‌ها شعله‌ورتر شد. خطر کشتار، تبعید و انزوا شیعیان و محبان اهل بیت (ع) را تهدید می‌کرد. پس از شهادت [امام] حسین (ع)، با روی کار آمدن عبدالملک بن مروان اوضاع بحرانی شد و روزگار شیعیان تیره و تاریک گشت. او حجاج بن یوسف ثقفی را [که در کشتار وحشیانه و خون‌ریزی شهره بود و نام وی لرزه بر اندام‌ها می‌انداخت] بر آنان گمارد. [در دوران حکومت وی] زاهدانمیان و دین‌داران مصلحت‌اندیش با کینه‌توزی و بغض نسبت به علی (ع) و همراهی با دشمنان او، خود را به دستگاه خلافت نزدیک ساختند. این عمل آنان سبب شد تا [به دستور حکومت] روایات بسیاری در ذکر فضایل، مناقب آنان بر سازند. در مقابل، زبان‌ها به ستم، عیب‌جویی و بدگویی از علی (ع) گشوده شد تا بدانجا که [گویند]: شخصی به نزد حجاج آمده و فریاد افسوس برآورد که چرا خانواده‌اش او را علی نام نهاده‌اند. او که نام علی را تنگی برای خود می‌دانست، با اظهار ناتوانی و شرمساری در نزد حجاج، از او کمک خواست. حجاج از گفته وی خرسند شده و خندید. سپس به پاس ارج نهادن به باور و گفته وی، حکمرانی یکی از سرزمین‌های تحت فرمانش را بدو سپرد.

گزارش مدائنی از فضای حاکم بر جامعه اسلامی در روزگار حکمرانی حاکمان اموی، اوضاع سیاسی اجتماعی شیعه در آن دوران را به خوبی به تصویر می‌کشد. فضایی آکنده از ترس و وحشت، فضایی که در آن دشمنان دین می‌کوشیدند تا کوچک‌ترین نشانه‌های تشیع و محبت به خاندان پیامبر (ص) را از میان بردارند.

آری در چنین فضای آلوده به تزویر و هواپرستی، ارزش‌ها ضد ارزش خوانده می‌شوند. حق و حقیقت در کنج غربت جای می‌گیرد. رفتارها گفتارها و پندارهای جاهلی جان دوباره می‌گیرند. فراتر از همه، ارزش‌ها و هنجارهای فرادینی همچون نوع‌دوستی، جوانمردی، عدالت و... نیز به فراموشی سپرده می‌شود. نسل‌کشی در دستور کار قرار می‌گیرد و ...

وضع حدیث و رابطه آن با احادیث فضایل

گذشته از رخداد منع نقل و تدوین حدیث - که از آن با عنوان سیاست راهبردی خلفا در نشر و گسترش احادیث فضایل اهل بیت (ع) یاد کردیم - یکی دیگر از مصیبت‌ها و مشکلاتی که دامن‌گیر احادیث فضایل شد، رخداد جعل و وضع در این حوزه بود. تاریخچه پیدایش جعل و وضع حدیث، به صورت مطلق، به دوران زندگانی پیامبر (ص) بازمی‌گردد،^{۳۰} اما در پی برخورد قاطعانه رسول خدا (ص)،

۳۰. بسنده کردن صحابه به نیروی حافظه در نقل روایات، دشوار بودن گردآوری احادیث رسول خدا (ص) و در نهایت، عدم کتابت

عرصه وضع حدیث بر جاعلان و واضعان تنگ شد. حدیث نبوی «أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ كَثُرَتْ عَلَى الْكِذَابَةِ فَمَنْ كَذَبَ عَلَى مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»،^{۳۱} به این نکته اشاره دارد. در دوران حکومت معاویه، با هدف به انزوا کشیدن اهل بیت^{علیهم السلام} و قلع و قمع کردن شیعیان و پیروان آنان، با دستور و حمایت او دشمنان اسلام و به خصوص اهل بیت^{علیهم السلام}، فرصت یافتند تا با وضع حدیث در زمینه فضایل خلفای نخستین و صحابه و بر ضد امام علی^{علیه السلام}، میراث حدیثی مسلمانان را آلوده سازند. بدین ترتیب برای نخستین بار فضیلت سازی به عنوان انگیزه ای برای جعل و وضع مورد توجه و اهتمام قرار گرفت. با این توضیح، معاویه را باید نخستین کسی دانست که به جعل احادیث فضایل، به خصوص در جهت رویارویی با فضایل امام علی و اهل بیت^{علیهم السلام}، فرمان داد.

ابن حجر عسقلانی نیز عرصه فضایل را بستر مناسبی برای ورود روایات ضعیف و موضوع برشمرده و از پیدایش جریان جعل و وضع احادیث فضایل در قالب یک جریان تلافی جویانه در دوران معاویه سخن گفته است.^{۳۲}

ابن عرقه نطفویه، از عالمان بزرگ حدیث، نیز در تاریخ خود، ضمن اشاره بدین نکته که بیشتر احادیث موضوع در زمینه فضایل صحابه، در دوران [حکومت] بنی امیه وضع شده، انگیزه جاعلان و واضعان حدیث را نزدیک شدن به دستگاه حکومت اموی و به خاک مالیدن بینی بنی هاشم ذکر کرده است.^{۳۳}

جای بسی شگفتی است که گروهی به پیروی از خلفای کینه توز اموی راویان شیعی را به جعل و وضع احادیثی در فضیلت اهل بیت^{علیهم السلام} متهم ساخته اند.^{۳۴} در روزگاری که شیعیان از بیم فشار دستگاه حاکم یاری نقل روایات اهل بیت^{علیهم السلام} و بیان فضایل واقعی و مسلم آنان را نداشتند، چگونه ممکن است روایاتی در فضیلت و برتری اهل بیت^{علیهم السلام} بر ساخته باشند.^{۳۵} در روزگاری که هدف از جعل و وضع حدیث، چیزی جز دستیابی به اهداف دنیوی (مال، جاه، مقام و شهرت) نبود، وضع احادیثی در باب فضایل اهل بیت^{علیهم السلام} چه سودی برای واضعان می توانست به همراه داشته باشد؟

«حدیث سبب شد تا دشمنان اسلام فرصت را غنیمت شمرده و از رهگذر وضع حدیث، به فکر آلوده سازی میراث حدیثی مسلمانان افتند: (تدوین السنّة الشریفة، ص ۴۹۴، به نقل از دلیل القضاء الشرعی، محمدصادق بحر العلوم، ج ۳، ص ۳۱؛ تاریخ التشريع الإسلامی، ص ۱۷ به بعد).

۳۱. الايضاح، ص ۲۰۰؛ الکافی، ج ۱، ص ۶۲؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۴.

۳۲. وقال الإمام أحمد: ثلاثة كتب ليس لها أصول وهي المغازی والتفسير والملاحم. قلت: ينبغي أن يُضاف إليها الفضائل فهذه أودية الأحاديث الضعيفة والموضوعة... وأما الفضائل فلا تخصي كم وضع الرافضة في فضل أهل البيت وعارضهم جهلة أهل السنّة بفضائل معاوية بدأوا بفضائل الشیخین... (لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۳).

۳۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۴۶.

۳۴. لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۳.

۳۵. تدوین السنّة الشریفة، ص ۴۹۹.

پیش‌تر گزارش‌های تاریخی را که از وقوع سختی‌های فراوان برای ناقلان فضایل اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} حکایت داشت از نظر گذراندیم؛ سختی‌هایی چون شکنجه، زندان، انزوا و تبعید، تحریم اقتصادی، تهدید از سوی دستگاه حاکم، قتل و...^{۳۶} در چنین شرایطی چگونه ممکن است شیعیان به جعل و وضع احادیثی در فضایل اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} دست زده باشند؟! این ادعا، ادعایی سست و بی‌پایه است که ادله عقلانی و حقایق تاریخی آن را برنمی‌تابند.^{۳۷}

تنوع تألیف در زمینه مناقب نگاری

نگاهی به عناوین و محتوای کتاب‌هایی که طی قرن‌های مختلف، در یک موضوع، به رشته تحریر در آمده، ما را با شیوه و گونه‌های مختلف نگارش در آن موضوع آشنا می‌سازد. همچنین از آنجا که در هر برهه از زمان یک یا چند شیوه خاص نگارشی مدنظر قرار گرفته، با این نگاه می‌توان به میزان رویکرد عالمان، در یک دوره زمانی، به یک یا چند شیوه نگارشی در آن موضوع دست یافت.

در زمینه مناقب نگاری نیز همچون دیگر عرصه‌ها با تنوع سبک یا موضوع تألیف رو به رو هستیم. بر پایه پژوهش‌های انجام گرفته، در پنج قرن نخست اسلامی، بیش از (۲۲۰) عنوان^{۳۸} کتاب با موضوع مناقب اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} نگاشته شده است. پس از مطالعه و بررسی، بدین نتیجه رسیدیم که عناوین و موضوعات این کتاب‌ها از هشت دسته یا عنوان خارج نیست. در ادامه، ضمن اشاره به دسته‌های هشت‌گانه یادشده، به نمونه کتاب‌هایی از هر دسته اشاره خواهیم کرد.

۱. کتاب‌هایی با عنوان کلی «مناقب، فضایل، تفضیل، فضل و خصایص»

در این دسته، کتاب‌هایی با عناوین «المناقب»، «الفضایل»، «الخصائص»، «مناقب...»، «فضائل...»، «فضل...»، «تفضیل...» و «خصائص...» جای می‌گیرند. در این گونه کتاب‌ها و نگاشته‌ها مؤلف می‌کوشد تا به جنبه‌ها و عرصه‌های گوناگون برجستگی و برتری اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} بر دیگران بپردازد. نگارندگان این دسته آثار غالباً از احادیث نبوی، روایات اهل‌بیت^{علیهم‌السلام}، سخنان صحابه، تابعان و بزرگان دینی، و شواهد و قرائن تاریخی و تحلیل‌ها و استنتاجات عقلی، در اثبات این برتری و برجستگی بهره گرفته‌اند. از نمونه کتاب‌های نگاشته در این زمینه می‌توان به آثار زیر اشاره نمود:

۳۶. از رویارویی و برخورد شدید دستگاه خلافت با محبان اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} و ناقلان فضایل آنها می‌توان به تبعید ابوذر غفاری صحابه گرانمایه پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}، شکنجه عمار یاسر و و به شهادت رساندن حجر بن عدی و یارانش در مرج عذرا به دستور معاویه و به شهادت رساندن کمیل بن زیاد، میثم تمار، رشید هجری و قنبر به دست حجاج، استاندار عراق از سوی عبدالملک، و تهدید برخی دیگر از صحابه در زمینه نقل حدیث اشاره نمود: (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۰ و ۲۳۱؛ تاریخ الأمم والملوک (تاریخ الطبری)، ج ۴، ص ۱۸۷، ۲۰۲).

۳۷. همان، ص ۴۹۷، ۴۹۸، ۵۰۲ و ۵۰۳.

۳۸. در پژوهش‌ها و بررسی‌های خود، در پنج قرن نخست اسلامی، به ۲۲۶ عنوان کتاب نگاشته شده در زمینه مناقب اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} دست یافتیم.

کتاب المناقب، أبوالفضل نصر بن مزاحم بن یسار متفری (م ۲۱۲ ق)،^{۳۹} مناقب أهل البيت، أبوسعید عباد بن یعقوب الرواجنی (م ۲۵۰ ق)،^{۴۰} کتاب الفضائل، جابر بن یزید الجعفی (م ۱۲۸ ق)،^{۴۱} فضائل أهل البيت، ابن أبی حاتم رازی أبومحمد عبدالرحمان بن أبی حاتم محمد بن ادريس بن المنذر (م ۳۲۷ ق)،^{۴۲} کتاب فضل أمير المؤمنين عليه السلام، أبومحمد الفضل بن شاذان بن الخلیل الأزدي النیشابوری (م ۲۶۰ ق)،^{۴۳} تفضیل الحسن و الحسين عليهما السلام، أبویوسف السدوسی یعقوب بن شیبۀ بن الصلت بن عصفور (۱۸۲ - ۲۶۲ ق)،^{۴۴} تفضیل الأئمة علی الملائكة، شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان (م ۴۱۳ ق)،^{۴۵} کتاب الخصائص، أحمد بن محمد بن حسین بن حسن بن دول^{۴۶} یا دول القمی (م ۳۵۰ ق) و خصائص الأئمة، شریف رضی أبوالحسن محمد بن حسین بن موسی (۳۵۹ - ۴۰۶ ق).^{۴۸}

۲. تک نگاری های موضوعی

برخی نگارندگان کتاب های مناقب و فضایل اهل بیت عليهم السلام، در آثار و نگاشته های خویش به بررسی، شرح و توضیح یکی از احادیث اختصاصی مناقب اهل بیت عليهم السلام پرداخته اند؛ به عنوان نمونه احادیث «خُصِفَ النُّعْلُ»، «الرَّايَةُ»، «رَدُّ الشَّمْسِ»، «الْمُنَاشِدَةُ»، «الطَّيْرُ» - که از احادیث اختصاصی در مناقب و فضیلت امام علی عليه السلام به شمار می روند - از سوی بسیاری از مؤلفان به عنوان موضوعی برای نگارش مدنظر قرار گرفته است. از این دسته تألیفات می توان به نمونه های زیر اشاره نمود:

حدیث الرّاية، ابن عقده أحمد بن محمد بن سعید (م ۳۳۳ ق)،^{۴۹} کتاب ردّ الشّمس، أبوالحسن نصر بن عامر بن وهب السنجاری،^{۵۰} حدیث الطیر، أبوجعفر الطبری محمد بن جریر بن یزید (۲۲۴ - ۳۱۰ ق)^{۵۱} و جزء فی خطبة الغدير، أبوغالب الزراری أحمد بن محمد بن سلیمان (م ۳۶۸ ق).^{۵۲}

۳۹. رجال النجاشی، ص ۴۲۸؛ الفهرست، ص ۲۵۴ و ۲۵۵؛ الإيضاح، ص ۲۰۰؛ الکافی، ج ۱، ص ۶۲؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۴.
۴۰. أهل البيت فی المكتبة العریة، ص ۵۹۸، ش ۷۷۵.
۴۱. رجال النجاشی، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.
۴۲. أهل البيت فی المكتبة العریة، ص ۳۵۴، ش ۵۴۶.
۴۳. رجال النجاشی، ص ۳۰۶ و ۳۰۷.
۴۴. أهل البيت فی المكتبة العریة، ص ۹۸، ش ۱۸۷.
۴۵. رجال النجاشی، ص ۴۰۰ و ۴۰۱.
۴۶. همان، ص ۸۹ و ۹۰.
۴۷. الذریعة، ج ۲، ص ۳۱۴.
۴۸. رجال النجاشی، ص ۳۹۸.
۴۹. الفهرست، ص ۷۳ و ۷۴؛ رجال النجاشی، ص ۹۴.
۵۰. رجال النجاشی، ص ۴۲۸.
۵۱. أهل البيت فی المكتبة العریة، ص ۱۳۳، ش ۲۴۲.
۵۲. معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت عليهم السلام، ش ۱۳۱۹۴.

۳. اربعین نگاری

از دیرباز مؤلفان بسیاری به نگارش کتاب‌هایی با عنوان «الأربعین» یا «أربعون حديثاً في فضائل...» همت گمارده‌اند. در این آثار به چهل حدیث با موضوعات گوناگون اشاره شده است. شاید بتوان حدیث نبوی «مَنْ حَفِظَ مِنْ أَمْتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِنَ السَّنَةِ كُنْتُ لَهُ شَفِيعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^{۵۳} را انگیزه‌ای برای رویکرد عالمان به تألیف چنین کتاب‌هایی برشمرد. در عرصه مناقب و فضایل اهل بیت^{علیهم‌السلام} نیز اربعین نگاری به عنوان گونه‌ای از تألیف به چشم می‌خورد. در ادامه به دو نمونه از این عنوان کتاب‌ها اشاره خواهیم کرد:

الأربعين في فضائل أمير المؤمنين^{علیه‌السلام}، خطیب بغدادی ابوبکر أحمد بن علی بن ثابت الشافعی (م ۴۶۳ ق)،^{۵۴} الأربعين في فضائل الزهراء، أبو صالح المؤذن أحمد بن عبد الملك بن علی النیشابوری (۳۸۸ - ۴۷۰ ق).^{۵۵}

۴. بیان تفسیر یا تأویل آیات قرآن در زمینه مناقب اهل بیت^{علیهم‌السلام}

بخش قابل توجهی از کتاب‌های مناقب و فضایل به بیان تفسیر یا تأویل آیات مرتبط با اهل بیت^{علیهم‌السلام} اختصاص دارند.^{۵۶} در این دسته کتاب‌ها، به نزول یک یا چند آیه در شأن اهل بیت^{علیهم‌السلام} اشاره شده و گاه تفسیر و تأویل آن آیات مورد بحث بررسی قرار گرفته است.^{۵۷} این سبک تألیف در عرصه مناقب تا حد بسیاری بر پایه روایات معصومان^{علیهم‌السلام} و منقولات صحابه و گاه تابعان استوار است. از نمونه آثار این گونه تألیفی می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

ما نزل في الخمسة^{علیهم‌السلام}، اثر أبو أحمد عبد العزيز بن يحيى بن أحمد بن عيسى الجلودی الأزدي (بعد از ۳۳۰ ق)،^{۵۸} ما نزل في القرآن في علي^{علیه‌السلام}، اثر أبو موسى هارون بن عمر بن عبد العزيز بن محمد المجاشی^{۵۹} و التنزيل في أمير المؤمنين^{علیه‌السلام}، اثر ابن أبي التلج ابوبکر محمد بن أحمد بن محمد بن عبدالله بن إسماعيل (م ۳۲۵ ق).^{۶۰}

۵۳. الخصال، ص ۵۴۱ - ۵۴۳. این حدیث با اندکی تفاوت تعبیر در کتاب‌های دیگر نیز نقل شده است؛ برای نمونه بنگرید به: ثواب الأعمال، ص ۱۳۴؛ مقتضب الآثار، ص ۱۲؛ الاختصاص، ص ۶۱.

۵۴. أهل البيت في المكتبة العربية، ص ۳۴، ش ۴۹.

۵۵. همان، ص ۳۵، ش ۵۲. از این کتاب در ص ۳۶۹، ش ۵۷۰ کتاب أهل البيت في المكتبة العربية با نام فضائل فاطمة نیز یاد شده است.

۵۶. لازم به ذکر است از تعداد ۲۲۶ کتاب نگاشته شده در زمینه مناقب اهل بیت^{علیهم‌السلام}، در پنج قرن نخست، ۲۷ کتاب (معادل یک هشتم) به بیان تفسیر یا تأویل آیات قرآن درباره اهل بیت^{علیهم‌السلام} پرداخته‌اند.

۵۷. برخی از این دسته کتاب‌ها به روایتی از امام علی^{علیه‌السلام} اشاره شده که در آن روایت، امام از نزول یک چهارم آیات قرآن درباره اهل بیت^{علیهم‌السلام} سخن گفته‌اند؛ برای مثال در کتاب ما نزل من القرآن في علي، ابن مردويه الإصفهانی، ص ۲۱۸ این روایت را می‌بینیم.

۵۸. فهرست ابن الندیم، ص ۱۲۸؛ رجال النجاشی، ص ۲۴۱؛ الفهرست، ج ۲، ص ۲۳۷؛ کتابخانه ابن طاووس، ص ۳۴۹ و ۳۷۵ و ۵۲۵ الذریعة، ج ۱۹، ص ۲۹؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۴۷؛ الأعلام، ج ۴، ص ۲۹.

۵۹. رجال النجاشی، ص ۴۳۹؛ صحب الرضا^{علیه‌السلام}.

۶۰. الفهرست، ص ۲۳۰. نجاشی از این کتاب با نام ما نزل من القرآن في أمير المؤمنين^{علیه‌السلام} یاد کرده است؛ (رجال النجاشی، ص ۳۸۱).

۵. توجه و اهتمام به اسناد روایات مناقب

رویکرد دیگر نگارندگان کتب مناقب، توجه به اسناد و طرق روایات مناقب است. اشاره به تعدد طرق نقل یک روایت و بیان آنها یا ذکر راویان سلسله اسناد روایات مناقب از مهم‌ترین اهداف و انگیزه‌های نویسندگان این سبک، به‌شمار می‌رود. از نمونه کتاب‌های تألیف شده در این گونه، می‌توان به آثار زیر اشاره نمود:

طُرُقِ حَدِيثِ الْغَدِيرِ وَ طُرُقِ حَدِيثِ الزَّيَّاتِ، هر دو اثر عبيدالله بن ابي زيد الأنباري (م ۳۵۶ ق)،^{۶۱} طُرُقِ حَدِيثِ النَّبِيِّ ﷺ «أَنْتَ مَنِيَّ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ^{۶۲} وَ كِتَابُ مَنْ رَوَى عَنْ عَلِيٍّ أَتَهُ قِسْمُ الثَّانِ،^{۶۳} هر دو اثر ابن عقده، أبو العباس أحمد بن محمد بن سعيد (م ۳۳۳ ق) و طُرُقِ حَدِيثِ الْمَنْزِلَةِ اثر قاضی تنوخی، أبو القاسم علی بن المحسن بن علی بصری (م ۴۴۷ ق).^{۶۴}

۶. اختصاص بخش یا بخش‌هایی از کتاب به ذکر مناقب اهل بیت ﷺ

بسیار مشاهده می‌گردد که صاحبان کتب و جوامع حدیثی، بخش یا بخش‌هایی از آثار خود را به ذکر مناقب اهل بیت ﷺ اختصاص داده‌اند؛ به عنوان نمونه محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ ق) و مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ ق) در الصحيح و محمد بن عیسی ترمذی (م ۲۷۹ ق) در السنن، بخش‌هایی از روایات «کتاب الفضائل» جوامع حدیثی خویش را به ذکر مناقب اهل بیت ﷺ اختصاص داده‌اند. برخی از مؤلفان کتاب‌های مناقب نیز بخشی از کتاب خود را به بیان مناقب اهل بیت ﷺ اختصاص داده‌اند؛ به عنوان نمونه أبو الطیب رازی (قرن ۴ ق) کتابی با عنوان زیارة الرضا ﷺ و فضله و معجزاته،^{۶۵} نگاشته که در بخشی از آن به فضایل و مناقب امام رضا ﷺ اشاره کرده است. شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان (م ۴۱۳ ق)، نیز فصل‌هایی از کتاب الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد خود را به ذکر فضایل و معجزات اهل بیت ﷺ اختصاص داده است. این روش تألیف در زمینه مناقب‌نگاری را نیز می‌توان به عنوان یک سبک به‌شمار آورد.

۷. اشاره به مناقب نیاکان، خاندان و نزدیکان پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ

برخی مؤلفان کتب مناقب، در آثار خود، از مناقب و فضایل نیاکان، خاندان و خویشاوندان رسول خدا ﷺ و برخی فرزندان ائمه ﷺ سخن گفته‌اند. دین‌داری و خداپرستی، کفرستیزی و مبارزه با آیین شرک و بت‌پرستی، برخورداری از عزت نفس و شرافت نسبی، حق‌مداری و عدل‌محوری، شجاعت و

۶۱. رجال النجاشی، ص ۲۳۳.

۶۲. همان، ص ۹۴.

۶۳. الفهرست، ص ۷۳ و ۷۴.

۶۴. أهل البيت فی المکتبة العریة، ص ۲۹۷، ش ۴۶۲.

۶۵. الفهرست، ص ۲۷۷؛ معالم العلماء، ص ۱۷۳؛ الذریعة، ج ۱۲، ص ۱۷۹؛ موسوعة مؤلفی الإمامیة، ج ۲، ص ۲۱۵.

جوانمردی، گشاده دستی و سخاوتمندی گوشه‌هایی از خوی‌های نیکو و پسندیده‌ای است که در این دسته نگاشته‌ها برای نیاکان، خاندان و نزدیکان رسول خدا و اهل بیت علیهم‌السلام برشمرده شده است. از این گونه تألیفات می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود:

تفضیل بنی هاشم و ذم بنی امیه و اتباعهم اثر ابوالعباس أحمد بن عبیدالله بن محمد بن عمار الثقفی (م ۳۳۹ ق)،^{۶۶} فضایل جعفر الطیار، اثر شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه القمی (م ۳۸۱ ق)^{۶۷} و فضایل زید علیه‌السلام اثر ابوالفضل شیبانی، محمد بن عبدالله بن محمد بن عبید الله بن البهلول بن همام بن المطلب.^{۶۸}

۸. تک‌نگاری‌های عمومی

دسته‌ای از آثار و کتب مناقب، با توجه به عنوان خود، در هیچ‌یک از هفت دسته پیشین جای نمی‌گیرند. از این رو، برای این دسته کتاب‌ها عنوانی جداگانه برگزیدیم. از این گونه کتاب‌ها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره نمود:

الأمالی فی مناقب أهل البيت علیهم‌السلام اثر ابوالمظفر لیث بن سعد بن لیث الأسدی^{۶۹} و طیب الفطرة فی حب العتره، حاکم خشکانی ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله بن أحمد النیسابوری (م بعد ۴۷۰ ق).^{۷۰}

بررسی پیشینه تاریخی طرح بحث مناقب و فضایل از رهگذر روایات

در این بخش کوشیده‌ایم تا با بررسی کهن‌ترین مجموعه روایات^{۷۱} موجود در زمینه مناقب و فضایل، مهم‌ترین عناوین و موضوعات مطرح در این عرصه را بازگو کنیم.

در پی این هدف، نخست به جستجوی کهن‌ترین مجموعه‌های روایی پرداختیم که به شیوه‌ای فراگیر و منظم، جنبه‌های گوناگون مناقب فردی (ذاتی یا اکتسابی)، گروهی، قبیله‌ای، ملیتی و... را در خود جای داده باشند.

در کتاب‌ها و جوامع حدیثی شیعی، به کتاب یا نوشته‌ای با این ویژگی‌ها (قدمت، شمول و نظم در چینش مباحث) دست نیافتیم. در حوزه حدیث اهل سنت، بر خلاف شیعه، نگاشته‌هایی با این ویژگی‌ها به چشم می‌خورد. از مهم‌ترین و کهن‌ترین منابع و مصادر حدیثی اهل سنت در زمینه مناقب و فضایل، باید به صحاح سته حدیثی اشاره کرد. صاحبان نیمی از این جوامع کهن حدیثی

۶۶. أهل البيت فی المکتبة العربیة، ص ۹۷، ش ۱۸۵.

۶۷. رجال النجاشی، ص ۳۹۰.

۶۸. رجال ابن الفضل، ص ۹۸؛ رجال النجاشی، ص ۳۹۶؛ معالم العلماء، ص ۱۷۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۷، ص ۲۶۱.

۶۹. فهرست منتخب الدین، ص ۷۵ و ۷۹.

۷۰. أهل البيت فی المکتبة العربیة، ص ۲۹۹، ش ۴۶۶.

۷۱. از آنجاکه در مواردی چند، از گفته‌های صحابه در زمینه مناقب و فضایل افراد و گروه‌ها سخن به میان رفته، درست‌تر آن است که در این جایگاه، روایت را به معنای عام آن (یعنی احادیث نبوی و سخنان صحابه و دیگران) معنا نماییم.

اهل سنت، بخش‌هایی از کتاب‌های خود را به گفتگوی گسترده در این زمینه اختصاص داده‌اند. محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق) و مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ق) در الصحيح و محمد بن عیسیٰ ترمذی (م ۲۷۹ق) در السنن، به شکل گسترده به این بحث پرداخته‌اند.

اشاره به مناقب و فضایل خاص نبوی، بزرگان صحابه، تابعین، مهاجران، انصار، قبایل، شهرها و سرزمین‌ها، پیامبران پیشین و همچنین یادکرد مناقب امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام صفحات گسترده‌ای از این جوامع حدیثی را در چارچوب بخش‌هایی با عنوان «کتاب الفضایل» یا «کتاب المناقب» به خود اختصاص داده‌اند.

روش ما در بهره‌گیری از این روایات، بررسی محتوا و انتخاب محور و نکته اصلی روایت، به عنوان موضوع آن بوده است. پس از بررسی یک یک روایات بخش «کتاب المناقب» در هر یک از سه کتاب یادشده، با توجه به محتوای روایات، به دسته‌بندی موضوعات گوناگون و جای دادن آنها در هشت سرفصل کلی‌تر پرداختیم.

در دست داشتن چنین مجموعه‌ای از روایات متنوع و دسته‌بندی شده در زمینه مناقب، ما را با نخستین زمینه‌ها و ملاک‌های مناقب‌شماری در دهه‌های نخست تاریخ اسلام آشنا می‌سازد. از سوی دیگر، توجه فراگیر به بحث مناقب و فضایل در کتاب‌ها و جوامع حدیثی و در نظر گرفتن بخش جداگانه‌ای بدین منظور، به روشنی، از اهمیت و جایگاه والای این موضوع نزد دانشمندان علوم حدیث در سده‌های نخست تاریخ اسلام پرده بر می‌دارد. در ادامه، عناوین هشت‌گانه مذکور و مهم‌ترین موضوعات روایی مطرح در هر عنوان را از نظر می‌گذرانیم.

مهم‌ترین عرصه‌ها و موضوعات مطرح در زمینه مناقب و فضایل

فضایل برخاسته از رابطه فرد با پیامبر ﷺ

حجم گسترده‌ای از روایات موجود در بخش فضایل کتاب‌های مذکور، در حقیقت، بازگو کننده رابطه تنگاتنگ فرد یا افراد با پیامبر ﷺ است. موضوعات زیر در این گونه فضایل جای می‌گیرند:

الف. در پاره‌ای از احادیث، به وجود مشابهتی در فرد با پیامبر ﷺ اشاره شده و این مسأله دست‌مایه طرح فضیلت و منقبتی برای فرد شده است. از آن جمله مشابهت‌ها می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد:

۱. هم‌نامی با پیامبر ﷺ،^{۷۲}
۲. شباهت خلقی و خلقی با پیامبر ﷺ،^{۷۳}
۳. هم‌سانی و هماهنگی راه و روش شخص با راه و روش پیامبر ﷺ.^{۷۴}

۷۲. موسوعة الحديث الشريف الکتب السنة، صحيح البخاری، ص ۲۸۸، ح ۳۵۳۷.

۷۳. همان، صحيح البخاری، ص ۳۰۳، باب ۱۰؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۹، ح ۳۷۶۵.

۷۴. همان، صحيح البخاری، ص ۳۰۶، ح ۳۷۶۲؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۳، ح ۳۸۰۷.

در مجموعه روایات مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام در زمینه شباهت با پیامبر صلی الله علیه و آله از موضوعات زیر یاد شده است:

۴. شباهت خلقی و خلقی حضرت زهرا علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله،^{۷۵}

۵. شباهت اخلاق و سیره حسنین علیهما السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله،^{۷۶}

در تحلیل و بررسی این دسته روایات فضایل می‌توان گفت آنچه در این دسته از روایات به عنوان ملاک و معیار فضیلت برشمرده شده، همسان بودن اخلاق و رفتار افراد با اخلاق و رفتار الگوی برتر، یعنی شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله، است. به دیگر سخن، این گونه روایات فضایل به صورت مستقیم و غیر مستقیم هر مخاطب و شنونده‌ای را به تأسی از پیامبر صلی الله علیه و آله در پندار و رفتار فرا می‌خواند. ب. پاره‌ای دیگر از روایات فضایل بیان‌کننده وجود نوعی رابطه دوستی یا عاطفی میان پیامبر صلی الله علیه و آله و افراد است. مهم‌ترین مسایل مطرح در این دسته عبارت‌اند از:

۱. همراهی و مصاحبت با پیامبر صلی الله علیه و آله،^{۷۷}

۲. برادری و دوستی با پیامبر صلی الله علیه و آله،^{۷۸}

۳. محبوبیت افراد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و اظهار علاقه حضرت صلی الله علیه و آله به دوستی با برخی از آنها،^{۷۹}

۴. فدایی پیامبر صلی الله علیه و آله بودن،^{۸۰}

۵. صاحب سر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودن،^{۸۱}

۶. کثرت یاد فرد از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله،^{۸۲}

۷. خشنودی و خرسندی پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدار فرد.^{۸۳}

۷۵. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۵، ح ۳۶۲۳؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۸، ح ۳۸۷۲.

۷۶. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۵، ح ۳۷۴۸ و ۳۷۵۰؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۰۴، ح ۶۲۶۰؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۰، ح ۳۷۷۶ و ۳۷۷۹.

۷۷. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۷، ح ۳۶۵۲ و ۳۶۵۳ و ۳۶۶۰، ح ۳۶۷۷ و ۳۶۷۸، ح ۳۶۸۵ و ۳۶۹۲ و ۳۶۹۴ و ۳۰۱، ح ۳۶۹۶ و ۳۰۶، ح ۳۷۶۳ و ۳۷۶۴ و ۳۱۳، ح ۳۸۵۷؛ صحیح مسلم، ص ۱۰۹۷، ح ۶۱۶۹ و ۱۰۹۸، ح ۶۱۸۷ و ۶۱۸۸ و ۱۱۰۳، ح ۶۲۴۳ و ۶۲۴۴ و ۱۱۰۹، ح ۳۲۲۶ و ۱۱۱۰، ح ۳۲۲۷ و ۳۲۲۸؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۰، ح ۳۶۷۰ و ۲۰۳۷، ح ۳۷۴۴ و ۳۷۴۵ و ۲۰۴۳، ح ۳۸۰۶.

۷۸. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۴، باب ۱۷.

۷۹. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۷، ح ۳۶۵۴ و ۳۶۵۶ و ۳۶۵۷ و ۳۶۵۸، ح ۳۶۶۲، ح ۳۰۴، ح ۳۷۳۰ و ۳۷۳۱؛ صحیح مسلم، ص ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸، ح ۶۱۷۰ و ۶۱۷۷ و ۱۱۰۵، ح ۶۲۷۸ و ۶۲۷۹؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۲۸، ح ۳۶۵۵ و ۳۶۵۷ و ۳۶۶۱ و ۳۶۶۲، ح ۲۰۳۹، ح ۳۷۵۷ (تحفة ۹۴) و ۲۰۴۴، ح ۳۸۱۸ و ۲۰۴۹، ح ۳۸۸۹ و ۲۰۵۰، ح ۳۸۹۰.

۸۰. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۳، ح ۳۷۲۰ و ۳۰۴، ح ۳۷۲۵؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۰۲، ح ۶۲۳۳ و ۶۲۳۷ و ۱۱۰۳، ح ۶۲۴۵ و ۶۲۴۶؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۷، ح ۳۷۴۳ و ۲۰۳۸، ح ۳۷۵۵.

۸۱. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۵، ح ۳۷۴۲ و ۳۷۴۳؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۳، ح ۳۸۱۱.

۸۲. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۹، ح ۳۶۷۷؛ همان، ص ۳۱۰، ح ۳۸۱۶ و ۳۸۱۸؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۰۵، ح ۶۲۷۷ و ۶۲۸۰؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۹، ح ۳۸۷۵.

۸۳. صحیح البخاری، ص ۳۱۰، ح ۳۸۲۲ و ۳۸۲۳.

مهم‌ترین موضوعاتی که در مجموعه روایات فضایل اهل بیت علیهم‌السلام در این دسته، بدان‌ها اشاره شده عبارت‌اند از:

۸. محبت و علاقه فراوان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امام علی علیه‌السلام و حضرت زهرا علیها‌السلام،^{۸۴}
۹. محبت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت به حسنین علیهما‌السلام،^{۸۵}
۱۰. معرفی امام علی علیه‌السلام به عنوان پاره تن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،^{۸۶}
۱۱. معرفی حضرت زهرا علیها‌السلام به عنوان پاره تن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،^{۸۷}
۱۲. معرفی امام حسین علیه‌السلام به عنوان پاره تن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،^{۸۸}
۱۳. معرفی حسنین علیهما‌السلام، به عنوان دو ریحان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دنیا،^{۸۹}
۱۴. معرفی امام علی علیه‌السلام به عنوان برادر و دوست پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دنیا و آخرت،^{۹۰}
۱۵. محبوبیت امام علی علیه‌السلام، سلمان، ابوذر و مقداد در پیشگاه خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.^{۹۱}

در تحلیل و بررسی این دسته روایات فضایل می‌توان گفت ارزش و مرتبه فضیلت‌ها و میزان دلالت آنها در پاره‌ای موارد کمتر و در پاره‌ای دیگر بیشتر است؛ به عنوان نمونه، صرف همراهی و هم‌نشینی با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یا کثرت یاد فرد از سوی آن حضرت، درجه و مرتبه بالایی از فضیلت به‌شمار نمی‌رود، در حالی که صاحب اسرار رسول خدا بودن ارزش و فضیلت والاتری محسوب می‌شود.

ج. در پاره‌ای دیگر از روایات فضایل، برخورداری فرد یا افرادی از دعا یا عنایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مایه فضیلت و برتری آنها انگاشته شده است؛ از آن جمله می‌توان به عناوین یا موضوعات زیر اشاره کرد:

۱. برخورداری یک فرد یا قبیله از دعای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،^{۹۲}
۲. برخورداری از عنایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دفع یک بلا یا مرض،^{۹۳}

۸۴. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۴۸، ح ۳۸۶۸ و ۳۸۷۴.

۸۵. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۵، ح ۳۷۴۷ و ۳۷۴۹؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۰، ح ۲۷۶۹ و ص ۲۰۴۱، ح ۳۷۸۲ و ۳۷۸۴.

۸۶. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۲، باب ۹؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۴، ح ۳۷۱۲ و ص ۲۰۳۵، ح ۳۷۱۶.

۸۷. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۳، ح ۳۷۱۴ و ص ۳۰۴، ح ۳۷۲۹ و ص ۳۰۶، ح ۳۷۶۷؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۸، ح ۳۸۶۷ و ۳۸۶۹.

صحیح مسلم، ص ۱۱۰۸، ح ۶۳۰۸ و ۶۳۰۹.

۸۸. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۴۰، ح ۳۷۷۵.

۸۹. صحیح البخاری، ص ۳۰۵، ح ۳۷۵۳؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۰، ح ۳۷۷۰ و ۳۷۷۲ و ۳۷۷۴.

۹۰. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۵، ح ۳۷۲۰.

۹۱. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۵، ح ۳۷۱۸ و ص ۲۰۳۶، ح ۳۷۲۵.

۹۲. همان، ص ۳۰۶، ح ۳۷۵۶؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۳، ح ۶۳۶۴ و ۶۳۶۶ و ۶۳۶۸ و ۶۳۷۲ و ۶۳۷۷ و ص ۱۱۱۵، ح ۶۳۸۶ و ص ۱۱۱۶،

ح ۶۳۹۶ و ص ۱۱۱۷، ح ۶۴۰۶ و ص ۱۱۱۹، ح ۶۴۲۹ و ۶۴۳۷؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۱، ح ۳۶۸۱ و ۳۶۸۳ و ص ۲۰۳۸، ح ۳۷۵۱ و

ص ۲۰۳۹، ح ۳۷۶۲ و ص ۲۰۴۴، ح ۳۸۲۲ و ۳۸۲۴ و ص ۲۰۴۵، ح ۳۸۲۷ و ۳۸۲۹ و ص ۲۰۴۶، ح ۳۸۴۲ و ۳۸۴۳ و ص ۲۰۵۴،

ح ۳۹۴۱ و ۳۹۴۲ و ۳۹۴۸.

۹۳. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۶، ح ۳۶۴۸؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۶، ح ۶۳۹۷ و ۶۳۹۸؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۵، ح ۳۸۳۴ و ۳۸۳۵.

۳. استغفار پیامبر ﷺ برای شخص.^{۹۴}

و در مجموعه احادیث فضایل اهل بیت ﷺ در این زمینه، از حدیث زیر یاد شده است:

۴. برخورداری امام علی ﷺ از برکت دعای پیامبر ﷺ مبنی بر همراهی با حق [و حقیقت].^{۹۵}

د. در بخش دیگری از روایات فضایل، برخورداری فرد از بشارت و وعده نبوی ﷺ در زمینه‌های گوناگون، فضیلتی برای وی دانسته شده است. موضوعات گوناگون مطرح شده در این دسته روایات عبارت‌اند از:

۱. اظهار امیدواری حضرت ﷺ به بهره‌مندی شخص از خیر یا امتیازی ویژه در جهان واپسین،^{۹۶}
 ۲. بشارت به بهشت از سوی پیامبر ﷺ (به صورت مطلق، مانند: عشرة مبشرة یا مشروط و یا در ازای اجرای درخواست پیامبر ﷺ)،^{۹۷}

۳. بشارت پیامبر ﷺ به شخص مبنی بر دوری شیطان از او و مصونیت وی از حيله‌های او،^{۹۸}
 ۴. بشارت ورود به بهشت از سوی پیامبر ﷺ به شخص به خاطر رویارویی با بلاها و دشواری‌هایی در آینده،^{۹۹}

۵. بشارت پیامبر ﷺ به فرد مبنی بر برخورداری از خانه‌ای در بهشت،^{۱۰۰}
 ۶. بهره‌گیری حسان از شعر برای دفاع از رسول خدا ﷺ و بشارت حضرت به وی در برخورداری از تأییدات غیبی به هنگام سرودن شعر،^{۱۰۱}

۷. وعده حضرت مبنی بر در امان بودن اصحاب شجره (بیعت رضوان) از آتش دوزخ و داخل شدن آنان در بهشت،^{۱۰۲}

۸. بشارت پیامبر ﷺ مبنی بر رهایی فرد از آتش دوزخ،^{۱۰۳}

۹. مرزده شهادت از سوی پیامبر ﷺ به شخص.^{۱۰۴}

۹۴. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۷، ح ۳۶۶۱؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۷، ح ۳۸۵۲.

۹۵. جامع ترمذی، ص ۲۰۳۴، ح ۳۷۱۴. وَرَجِمَ اللَّهُ عَلَيَّا اللَّهُمَّ أَدِرِ الْخَوْفَ مَعَهُ خَيْثُ دَاوَدَ.

۹۶. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۸، ح ۳۶۶۶؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۰، ح ۳۶۷۴.

۹۷. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۹، ح ۳۶۷۴؛ ص ۳۰۰، ح ۳۶۹۳ و ۳۶۹۵؛ ص ۳۰۱، باب ۷؛ صحیح مسلم، ص ۱۰۹۸، ح ۶۱۸۲ و ص ۱۱۰۰، ح ۶۱۱۲ و ۶۱۱۴؛ ص ۱۱۱۴، ح ۳۸۰۰؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۱، ح ۳۶۸۷ و ۳۶۸۹ و ص ۲۰۳۲، ح ۳۶۹۴ و ص ۲۰۳۴، ح ۳۷۱۰ و ص ۲۰۳۷، ح ۳۷۲۷ و ۳۷۴۸ و ص ۲۰۴۳، ح ۳۸۰۴.

۹۸. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۰، ح ۳۶۸۳؛ صحیح مسلم، ص ۱۰۹۹، ح ۱۰۹۲ و ۱۰۹۳؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۲، ح ۳۶۹۰ و ۳۶۹۱.

۹۹. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۹، ح ۳۶۷۴.

۱۰۰. همان، صحیح البخاری، ص ۳۱۰، ح ۳۸۱۶ و ۳۸۱۷ و ۳۸۱۹ و ۳۸۲۰؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۰۵، ح ۶۲۷۳ و ۶۲۷۷؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۹، ح ۳۸۷۶.

۱۰۱. صحیح مسلم، ص ۱۱۱۵، ح ۶۳۸۷ و ۶۳۸۸ و ۶۳۸۹ و ۶۳۹۲ و ۶۳۹۵.

۱۰۲. همان، صحیح مسلم، ص ۱۱۱۷، ح ۶۴۰۶؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۷، ح ۳۸۶۰ و ص ۲۰۴۸، ح ۳۸۶۳.

۱۰۳. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۰، ح ۳۶۷۹.

۱۰۴. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۴، ح ۳۷۰۸؛ همان، ص ۲۰۴۲، ح ۳۸۰۰.

در مجموعه روایات مربوط به فضایل اهل بیت علیهم السلام، به روایتی با موضوع زیر اشاره شده است:

۱۰. بشارت پیامبر صلی الله علیه و آله به دوستداران خود، امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام مبنی بر همراهی و هم‌نشینی با پیامبر صلی الله علیه و آله در روز قیامت.^{۱۰۵}

اگرچه این روایت وعده و بشارتی به محبان اهل بیت به‌شمار می‌رود، اما بیان‌کننده عظمت و جایگاه والای اهل بیت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هست.

ه در دسته دیگری از روایات، اعطای لقبی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به فرد، ملاک و معیار فضیلت شمرده شده است؛ از آن جمله القاب می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

صَدِّیق، شهید، شهیدُ الحی، ابن‌ذی‌الجنّاحین، حواری رسول الله، آمین، خیر التّابعین، سیف من سیوف الله و خیر النساء^{۱۰۶}

اعطای لقب «أبو تراب» از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام، نیز در شمار این دسته احادیث فضایل ذکر شده است.^{۱۰۷}

و. دسته دیگری از روایات، با وجود آن‌که به وجود رابطه‌ای میان فرد یا افراد با پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره دارد، اما در هیچ‌یک از دسته‌های فوق‌الذکر نمی‌گنجد. مهم‌ترین موضوعات مطرح در این دسته روایات عبارت‌اند از:

۱. تحسین و تمجید شخص از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به دنبال موفقیت وی در تجارت،^{۱۰۸}
۲. تمجید پیامبر صلی الله علیه و آله از یک فرد، گروه یا قبیله با عبارت‌های «نِعْمَ الرَّجُلُ فلان» یا «نِعْمَ الرَّجُلُ فلان لَوْ...» یا «مَرَحِباً بِالطَّيِّبِ الْمُطَيَّبِ» یا «فَهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ»^{۱۰۹}
۳. ایمان و باور شخص به منقولات پیامبر صلی الله علیه و آله بویژه که آن حکایت با عقل و محاسبات عقلی ناسازگار باشد،^{۱۱۰}
۴. رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله از شخص به هنگام رحلت.^{۱۱۱}

۱۰۵. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۶، ح ۳۷۳۳.

۱۰۶. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰، ح ۳۶۸۶ و ص ۳۰۱، ح ۳۶۹۷ و ۳۶۹۹ و ص ۳۰۳، ح ۳۷۰۹ و ۳۷۱۹ و ص ۳۰۵، ح ۳۷۴۴ و ص ۳۰۶، ح ۳۷۵۷ و ص ۳۱۰، ح ۳۸۱۵؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۰۳، ح ۶۲۴۳ و ۶۲۴۴ و ۶۲۴۷ و ۶۲۴۸ و ص ۱۱۰۴، ح ۶۲۵۲ و ۶۲۵۵ و ص ۱۱۰۵، ح ۶۲۷۱ و ص ۱۱۲۳، ح ۶۴۹۱؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۲، ح ۳۶۹۶ و ۳۶۹۷ و ۳۶۹۹ و ص ۲۰۳۷، ح ۳۷۳۹ و ۳۷۴۴ و ۳۷۴۵ و ص ۲۰۳۸، ح ۳۷۵۷ (تحفه ۹۴) و ص ۲۰۴۱، ح ۳۷۹۰ و ۳۷۹۱ و ص ۲۰۴۲، ح ۳۷۹۶ و ص ۲۰۴۹، ح ۳۸۷۷.

۱۰۷. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۲، ح ۳۷۰۳؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۰۲، ح ۶۲۲۹.

۱۰۸. صحیح البخاری، ص ۱۲۹۶، ح ۳۶۴۲.

۱۰۹. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۴، ح ۳۷۳۹؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۷، ح ۶۴۰۸؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۹، ح ۳۷۵۷ و ۳۷۵۹ و ص ۲۰۴۲، ح ۳۷۹۵ و ۳۷۹۸ و ص ۲۰۵۴، ح ۳۹۴۷.

۱۱۰. همان، ص ۲۹۸، ح ۳۶۶۳ و ص ۳۰۰، ح ۳۶۹۰؛ صحیح مسلم، ص ۱۰۹۸، ح ۶۱۸۳ و ۶۱۸۶؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۰، ح ۳۶۷۷ و ص ۲۰۳۲، ح ۳۶۹۵.

۱۱۱. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۴، باب ۱۴.

در این بخش نیز همچون بخش‌های پیشین، روایاتی درباره فضایل اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد که در عناوین گذشته نمی‌گنجد. دو موضوع زیر از آن جمله‌اند:

۵. غضب فاطمه علیها‌السلام برابر است با غضب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،^{۱۱۲}
۶. رضایت پیامبر از امام علی علیه‌السلام به هنگام رحلت.^{۱۱۳}

عرضه دینی

دسته دیگری از روایات موجود در بحث فضایل، گویای نوعی برتری و فضیلت فرد یا افراد در عرصه دین و دینداری است. در این دست از روایات، فضیلت در قالب یکی از موضوعات زیر مطرح شده است:

در بخشی از روایات، به تدین افراد و مسائل مربوط به آن اشاره شده است:

۱. ماجرای اسلام آوردن افراد در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم،^{۱۱۴}
۲. پیش‌گامی فرد در اسلام آوردن و مسلمان شدن بسیاری از مردم در پی اسلام آوردن وی،^{۱۱۵}
۳. سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مبنی بر بقای اسلام فرد تا لحظه مرگ،^{۱۱۶}
۴. تدین به دین حنیف، دین حضرت ابراهیم علیه‌السلام،^{۱۱۷}
۵. رنج دیدن و مضروب گشتن در راه اسلام.

در مجموعه روایات مناقب اهل بیت علیهم‌السلام در این بخش، به دو روایت با موضوعات زیر اشاره شده است:

۶. امام علی علیه‌السلام، نخستین نمازگزار،^{۱۱۸}
۷. امام علی علیه‌السلام، نخستین مسلمان.^{۱۱۹}

در پاره‌ای دیگر از روایات این دسته، فضایی مرتبط با قرآن و نزول آن برای افراد مطرح شده است. در این زمینه، به عناوین زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. توصیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شنیدن (فراگیری) قرآن از فرد یا افرادی معین،^{۱۲۰}
۲. تلاوت شبانه قرآن،^{۱۲۱}

۱۱۲. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۳، ح ۳۷۱۷ و ص ۳۰۶، ح ۳۷۶۷.

۱۱۳. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۲، باب ۹.

۱۱۴. صحیح البخاری، ص ۲۸۷، ح ۳۵۲۲ و ص ۳۱۳، ح ۳۸۶۱ و ۳۸۶۷؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۱، ح ۶۳۵۹ و ۶۳۶۲.

۱۱۵. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۴، ح ۳۷۲۷ و ص ۳۱۳، ح ۳۸۵۸؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۲۹، ح ۳۶۶۷.

۱۱۶. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۹، ح ۳۸۱۳؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۴، ح ۶۳۸۱ و ۶۳۸۳.

۱۱۷. همان، صحیح البخاری، ص ۳۱۱، ح ۳۸۲۷ و ۳۸۲۸.

۱۱۸. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۶، ح ۳۷۲۸ و ۳۷۳۴.

۱۱۹. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۶، ح ۳۷۳۴ و ۳۷۳۵.

۱۲۰. صحیح البخاری، ص ۳۰۶، ح ۳۷۵۸ و ۳۷۶۰؛ همان، ص ۳۰۹، ح ۳۸۰۶ و ۳۸۰۸؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۰، ح ۶۳۳۴ و ۶۳۳۹؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۳، ح ۳۸۱۰.

۱۲۱. همان، صحیح مسلم، ص ۱۱۱۷، ح ۶۴۰۷.

۳. فرمان الهی به پیامبر ﷺ مبنی بر تلاوت سوره‌ای از قرآن برای یکی از صحابه،^{۱۲۲}

۴. گردآوری قرآن در زمان پیامبر ﷺ،^{۱۲۳}

۵. نزول قرآن در خانه فرد،^{۱۲۴}

۶. نزول آیه‌ای از قرآن درباره فرد.^{۱۲۵}

از جمله فضایل اهل بیت ﷺ در این بخش نیز می‌توان به نزول آیات «مُباهله»^{۱۲۶} و «تطهیر»^{۱۲۷}

در شأن امام علی ﷺ، حضرت زهرا ﷺ و حسنین ﷺ، اشاره کرد.^{۱۲۸}

در دسته دیگری از روایات مرتبط با عرصه دینی، فرد یا افرادی به عنوان الگو و پیشوای دینی برای سایرین معرفی شده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به موضوعات زیر اشاره کرد:

۱. توصیه پیامبر ﷺ مبنی بر نماز خواندن مسلمانان به امامت شخصی معین،^{۱۲۹}

۲. سخن پیامبر ﷺ به مردم مبنی بر در پیش گرفتن راه و روش عمار.^{۱۳۰}

در پاره‌ای دیگر از روایات این دسته، به مسائلی اشاره شده که از دینداری فرد و برتری او در این زمینه سخن می‌گویند. این مسائل مورد اشاره عبارت‌اند از:

۱. خواب پیامبر ﷺ مبنی بر کمال دین فرد،^{۱۳۱}

۲. سخن پیامبر ﷺ مبنی بر صالح بودن فرد،^{۱۳۲}

۳. خوردن آنچه تنها با نام خداوند ذبح شده است،^{۱۳۳}

۴. انتخاب کاری که به [هدایت] و رشد نزدیک‌تر است از میان دو کار،^{۱۳۴}

۵. خشمگین ساختن شخص برابر است با غضب خداوند،^{۱۳۵}

۱۲۲. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۹، ح ۳۸۰۹؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۰، ح ۶۳۴۲ و ۶۳۴۳؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۱، ح ۳۷۹۲ و ص ۲۰۴۲، ح ۳۷۹۳ و ص ۲۰۵۰، ح ۳۸۹۸.

۱۲۳. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۹، ح ۳۸۱۰؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۰، ح ۶۳۴۰ و ۶۳۴۱ و ص ۱۱۱۱، ح ۶۳۴۴؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۲، ح ۳۷۹۴.

۱۲۴. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۷، ح ۳۷۷۵؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۹، ح ۳۸۷۹.

۱۲۵. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۹، ح ۳۸۱۲.

۱۲۶. سورة عمران، آیه ۶۰.

۱۲۷. سورة احزاب، آیه ۳۳.

۱۲۸. موسوعة الحديث الشريف (الكتب الستة)، صحیح مسلم، ص ۱۱۰۱، ح ۶۲۲۰ و ص ۱۱۰۴، ح ۶۲۶۱؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۵، ح ۳۷۲۴ و ص ۲۰۴۱، ح ۳۷۸۸ و ص ۲۰۴۸، ح ۳۸۷۱.

۱۲۹. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۰، ح ۳۶۷۲ و ۳۶۷۳.

۱۳۰. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۴۲، ح ۳۷۹۹ و ص ۲۰۴۳، ح ۳۸۰۵.

۱۳۱. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۰، ح ۳۶۹۱؛ صحیح مسلم، ص ۱۰۹۸، ح ۶۱۸۹.

۱۳۲. صحیح البخاری، ص ۳۰۵، ح ۳۷۴۰ و ۳۷۴۱؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۳، ح ۶۳۶۹؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۴، ح ۳۸۲۵ و ص ۲۰۴۶، ح ۳۸۴۵.

۱۳۳. همان، صحیح البخاری، ص ۳۱۰، ح ۳۸۲۶.

۱۳۴. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۴۲، ح ۳۷۹۹.

۱۳۵. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۴، ح ۳۷۰۹.

۶. نشان دادن راه حقیقت به مردم و شناساندن حق به آنها، ۱۳۶

۷. حق باوری و حق گوئی، ۱۳۷

در چند روایت، به نقل از پیامبر ﷺ و صحابه ایشان، حب علی علیه السلام با ایمان و بغض او با نفاق برابر دانسته شده است. ۱۳۸

در پاره‌ای دیگر از روایات مرتبط با عرصه دینی، به برخورداری افراد از یک سری امتیازات معنوی در هنگام وفات و پس از آن اشاره شده است. مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در این زمینه عبارت‌اند از:

۱. لرزش عرش الهی به واسطه وفات فرد و حمل جنازه او توسط فرشتگان، ۱۳۹

۲. حضور فرشتگان بر جنازه فرد پس از شهادت، ۱۴۰

۳. پیش‌گامی در محشور شدن (به هنگام برپایی قیامت)، ۱۴۱

۴. همسایگی با پیامبر ﷺ در بهشت، ۱۴۲

۵. رفیق پیامبر ﷺ در بهشت، ۱۴۳

۶. همسر پیامبر ﷺ در دنیا و آخرت، ۱۴۴

۷. معرفی فرد از سوی پیامبر ﷺ به عنوان سرور پیران بهشتی، ۱۴۵

و از جمله فضایل اهل بیت علیهم السلام در این زمینه به روایاتی با این موضوعات اشاره شده است:

۸. حضرت زهرا علیها السلام، سرور زنان بهشتی، ۱۴۶

۹. حسنین علیهم السلام، سرور جوانان بهشتی، ۱۴۷

۱۰. امام علی علیه السلام، برادر و همراه پیامبر ﷺ در دنیا و آخرت، ۱۴۸

عرصه قومی، قبیله‌گی و گروهی

دسته دیگری از روایات فضایل و مناقب، به برتری‌های یک قوم، قبیله یا گروه بر سایر اقوام، قبایل و

۱۳۶. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۸، ح ۳۶۷۰.

۱۳۷. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۱، ح ۳۶۸۲.

۱۳۸. جامع ترمذی، ص ۲۰۳۵، ح ۳۷۱۷ و تحفه ۶۹ و ص ۲۰۳۶، ح ۳۷۳۶.

۱۳۹. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۹، ح ۳۸۰۳؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۱، ح ۶۳۴۷؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۶، ح ۳۸۴۸ و ۳۸۴۹.

۱۴۰. همان، صحیح مسلم، ص ۱۱۱۱، ح ۶۳۵۴ و ۶۳۵۵ و ۶۳۵۷.

۱۴۱. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۲، ح ۳۶۹۲.

۱۴۲. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۷، ح ۳۷۴۰.

۱۴۳. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۲، ح ۳۶۹۸.

۱۴۴. صحیح البخاری، ص ۳۰۶، ح ۳۷۷۲؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۹، ح ۳۸۸۰ و ص ۲۰۵۰، ح ۳۸۸۹.

۱۴۵. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۲۹، ح ۳۶۶۴ و ۳۶۶۶.

۱۴۶. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۳، باب ۱۲ و ص ۳۰۶، ح ۳۷۶۷؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۰، ح ۳۷۸۱ و ص ۲۰۴۸، ح ۳۸۷۳ و ص ۲۰۵۰، ح ۳۸۹۳.

۱۴۷. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۹، ح ۳۷۶۸ و ص ۲۰۴۰، ح ۳۷۸۱.

۱۴۸. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۵، ح ۳۷۲۰.

- گروه‌ها اشاره دارند. مهم‌ترین عناوین مطرح در این دسته روایات عبارت‌اند از:
۱. برتری قوم عرب بر سایر اقوام (غضب نسبت به عرب برابر است با غضب نسبت به پیامبر ﷺ)، ۱۲۹
 ۲. پی‌جویی و علاقه ایرانیان نسبت به فراگیری دین از پیامبر ﷺ، ۱۵۰
 ۳. توصیه پیامبر ﷺ در مراعات با مردم یک سرزمین (مانند سرزمین مصر)، ۱۵۱
 ۴. فضایل شهرها و اماکن (مدینه، مکه، شام و یمن)، ۱۵۲
 ۵. برتری یک قبیله بر قبایل دیگر، ۱۵۳
 ۶. تمجید پیامبر ﷺ از یک قبیله با عبارت «فَهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ»، ۱۵۴
 ۷. مردم زمان پیامبر ﷺ، بهترین مردم و سپس ...، ۱۵۵
 ۸. پیروزی سپاه اسلام در جنگ به برکت وجود صحابه، تابعین یا اتباع تابعین در میان آنها، ۱۵۶
 ۹. در امان بودن صحابه و تابعین از آتش جهنم، ۱۵۷
 ۱۰. اصحاب پیامبر ﷺ، مایه آرامش و امنیت امت [اسلام]، ۱۵۸
 ۱۱. اشاره به مقام والای صحابه و منع پیامبر ﷺ از دشنام دادن به آنها به خاطر خدمات بی‌شمار و ارزنده آنان، ۱۵۹

۱۲. برخورداری انصار و مهاجران از دعای پیامبر ﷺ مبنی بر آمرزش آنان از سوی خدا، ۱۶۰
۱۳. سخن پیامبر ﷺ مبنی بر این‌که اگر هجرت نمی‌کردم، قطعاً یکی از انصار بودم، ۱۶۱
۱۴. سخن پیامبر ﷺ مبنی بر این‌که حب انصار نشانه ایمان است و بغض آنان نشانه نفاق، ۱۶۲

-
۱۴۹. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۵۳، ح ۳۹۲۷ و ۳۹۳۰.
 ۱۵۰. صحیح مسلم، ص ۱۱۲۴، ح ۶۴۹۷ و ۶۴۹۸؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۵۳، ح ۳۹۳۳.
 ۱۵۱. همان، صحیح مسلم، ص ۱۱۲۳، ح ۶۴۹۳ و ۶۴۹۴.
 ۱۵۲. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۶، ح ۳۶۴۱؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۲۳، ح ۶۴۹۵؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۵۲، ح ۳۹۱۴، ۳۹۱۷ و ۳۹۲۰.
 ۱۵۳. همان، صحیح البخاری، ص ۲۰۵۳، ح ۳۹۲۶ و ۳۹۲۷؛ ص ۳۹۳۹ و ۳۹۵۵، ح ۳۹۵۴.
 ۱۵۳. همان، صحیح البخاری، ص ۲۸۷ و ۲۸۵، ح ۳۵۰۰ و ۳۵۰۶؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۲۰، ح ۶۴۳۸ و ۶۴۵۳؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۵۱.
 ۱۵۴. همان، صحیح مسلم، ص ۱۱۱۷، ح ۶۴۰۸؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۵۴، ح ۳۹۴۷.
 ۱۵۵. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۷، ح ۶۶۵۱؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۲۱، ح ۶۴۶۹ و ۶۴۷۸؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۷، ح ۳۸۵۹.
 ۱۵۶. صحیح البخاری، ص ۲۹۲، ح ۳۵۹۴؛ همان، ص ۲۹۶، ح ۳۶۴۹؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۲۱، ح ۶۴۶۷ و ۶۴۶۸.
 ۱۵۷. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۴۷، ح ۳۸۵۸.
 ۱۵۸. همان، صحیح مسلم، ص ۱۱۲۱، ح ۶۴۶۶.
 ۱۵۹. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۹، ح ۳۶۷۳؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۲۳، ح ۶۴۸۷ و ۶۴۸۹؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۷، ح ۳۸۶۱ و ۳۸۶۲.
 ۱۶۰. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۸، ح ۳۷۹۷؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۸، ح ۶۴۱۴ و ۶۴۱۶؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۷، ح ۳۸۵۶ و ۳۸۵۷.
 ۱۶۱. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۷، ح ۳۷۷۹؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۵۰، ح ۳۸۹۰.
 ۱۶۲. صحیح البخاری، ص ۳۰۷، ح ۳۷۸۳؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۵۱، ح ۳۹۰۰ و ۳۹۰۶.

۱۵. انصار، بهترین مردم نزد پیامبر ﷺ، ۱۶۳
۱۶. وعده ملاقات انصار با پیامبر ﷺ در کنار حوض [در بهشت] از سوی پیامبر ﷺ، ۱۶۴
۱۷. نزول آیه‌ای از قرآن در شأن انصار «يُؤَيِّدُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»، ۱۶۵
۱۸. سفارش پیامبر ﷺ مبنی بر رعایت حال انصار، ۱۶۶

عرصة نظامی امنیتی

نبرد و ستیز با دشمنان اسلام، بخش قابل توجهی از تاریخ زندگانی پیامبر ﷺ، پس از هجرت به مدینه را به خود اختصاص داده است. از این‌رو، دسته‌ای از روایات فضایل به توصیف رشادت‌ها و جنگ‌آوری‌های اصحاب پیامبر ﷺ در جبهه‌های نبرد اشاره دارند. در ادامه، مهم‌ترین عناوین مطرح در این دسته روایات از نظر خواهد گذشت:

۱. حضور در جبهه‌های نبرد با دشمن، ۱۶۷
۲. جنگ‌آوری، ۱۶۸
۳. جراحت دیدن در جنگ با دشمن، ۱۶۹
۴. انتخاب فرد از سوی پیامبر ﷺ به عنوان فرمانده سپاه در سنین جوانی، ۱۷۰
۵. نخستین کسی که در راه خدا تیری رها کرده است، ۱۷۱
۶. شهادت (کشته شدن) در راه خدا، ۱۷۲
۷. سخن پیامبر ﷺ درباره فرد پس تجهیز سپاه اسلام در نبرد «جیشُ العُسرة» مبنی بر «ما علی فُلانٍ ما عَمِلَ بَعْدَ هَذِهِ»، ۱۷۳
۸. نجات جان پیامبر ﷺ از یک توطئه یا حادثه، ۱۷۴
۹. پاسداری شبانه از جان و حریم پیامبر ﷺ، ۱۷۵

-
۱۶۳. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۷، ح ۳۷۸۵ و ۳۷۸۶؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۸، ح ۶۴۱۷ و ۶۴۱۹.
 ۱۶۴. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۸، ح ۳۷۹۲ و ۳۷۹۴.
 ۱۶۵. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۸، ح ۳۷۹۸.
 ۱۶۶. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۵، ح ۳۶۲۸ و ص ۳۰۸، ح ۳۷۹۹ و ص ۳۰۹، ح ۳۸۰۰ و ۳۸۰۱؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۵۱، ح ۳۹۰۴ و ۳۹۰۷؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۸، ح ۶۴۲۰.
 ۱۶۷. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۴، ح ۳۷۲۸؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۷، ح ۶۴۰۳؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۸، ح ۳۸۴۶.
 ۱۶۸. صحیح البخاری، ص ۳۰۶، ح ۳۷۵۷؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۱۱، ح ۶۳۵۳؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۶، ح ۳۸۴۶.
 ۱۶۹. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۴، ح ۳۷۲۱؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۷، ح ۳۷۴۶.
 ۱۷۰. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۴، ح ۳۷۳۰؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۰۴، ح ۶۲۶۴ و ۶۲۶۵؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۴، ح ۳۸۱۶.
 ۱۷۱. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۴، ح ۳۷۲۸.
 ۱۷۲. همان، صحیح مسلم، ص ۱۱۱۱، ح ۶۳۵۴ و ۶۳۵۸.
 ۱۷۳. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۳، ح ۳۷۰۰ و ۳۷۰۱.
 ۱۷۴. صحیح البخاری، ص ۲۹۹، ح ۳۶۷۸.
 ۱۷۵. همان، صحیح مسلم، ص ۱۱۰۲، ح ۶۲۳۰ و ۶۲۳۲؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۸، ح ۳۷۵۶.

گذشته از رشادت‌ها و جنگ‌آوری‌های بی‌شمار امام علی علیه السلام در عرصه‌های مختلف دفاع از اسلام، حدیث مشهور «لواء» از جمله احادیثی است که در فضیلت امام علیه السلام بدان اشاره شده است. در نبرد دشوار خیبر - که عرصه بر مسلمانان تنگ شده بود و زمزمه شکست از دشمن به گوش می‌رسید - امام علی علیه السلام به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله پرچم سپاه اسلام را در دست گرفت و با رشادت و دلاوری وصف‌ناپذیر، ضمن کشتار شمار قابل توجهی از سپاه دشمن، در قلعه خیبر را از جای کنده و با فتح این قلعه، پایگاه توطئه دشمن را از هم فرو ریخت. در احادیث بسیاری، ماجرای نبرد خیبر و پیروزی سپاه اسلام به واسطه جنگ‌آوری و رشادت امام علی علیه السلام، به عنوان فضیلت و منقبتی برای آن حضرت برشمرده شده است. ^{۱۷۶}

عرصه علمی

حضور در محضر نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله و خوشه‌چینی از بوستان علوم نبوی صلی الله علیه و آله نیز در لابه‌لای روایات فضایل به عنوان ملاکی برای فضیلت و منقبت مطرح شده است. در ادامه به مهم‌ترین عناوین مطرح شده در این دسته روایات، اشاره می‌کنیم.

۱. برخورداری از علم و برتری علمی، ^{۱۷۷}
۲. داناترین مردم نسبت به کتاب خدا و آگاهی از مکان و شأن نزول آیات قرآن، ^{۱۷۸}
۳. «کنیر الحدیث» بودن. ^{۱۷۹}

همراهی و هم‌نشینی با پیامبر صلی الله علیه و آله و جرعه‌نوشی از آبشخور علم و حکمت نبوی صلی الله علیه و آله حقیقتی انکار ناپذیر از زندگانی گهربار امام علی علیه السلام به‌شمار می‌رود که در روایات مختلف بدان اشاره شده است. روایات زیر از این حقیقت پرده برمی‌دارند:

۴. امام علی علیه السلام: «كُنْتُ إِذَا سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ أُعْطَانِي وَإِذَا سَكَّتْ ابْتَدَأَنِي»، ^{۱۸۰}
۵. پیامبر صلی الله علیه و آله: «أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا». ^{۱۸۱}

عرصه اخلاقی

برخورداری از فضیلت‌های اخلاقی نیز در طرح روایات فضایل و مناقب مورد توجه قرار گرفته است. از جمله موضوعات مطرح در این زمینه عبارت‌اند از:

۱۷۶. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۲، ح ۳۷۰۱ و ۳۷۰۲؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۵، ح ۳۷۲۴؛ صحیح مسلم، ص ۱۱۰۱، ح ۶۲۲۰ و ۶۲۲۴.
۱۷۷. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۵، ح ۳۶۲۷ و ص ۲۹۹، ح ۳۶۸۱؛ صحیح مسلم، ص ۱۰۹۹، ح ۱۹۰ و ۱۹۱؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۹، ح ۳۸۸۳.
۱۷۸. همان، صحیح مسلم، ص ۱۱۱۰، ح ۶۳۳۲ و ۶۳۳۴.
۱۷۹. همان، صحیح مسلم، ص ۱۱۱۶، ح ۳۹۷ و ۳۹۹؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۶، ح ۳۸۴۱.
۱۸۰. جامع ترمذی، ص ۲۰۳۵، ح ۳۷۲۲ و ص ۲۰۴۶، ح ۳۷۲۹.
۱۸۱. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۵، ح ۳۷۲۳.

۱. راستگویی، ۱۸۲
۲. غیرت، ۱۸۳
۳. حیا، ۱۸۴
۴. جود و بخشش در مال و، ۱۸۵
۵. ایثار و از خودگذشتگی انصار نسبت به مهاجران، ۱۸۶
۶. حُسن معاشرت با مساکین و دریافت لقب «أَبُوالمَسَاكِين» از سوی پیامبر ﷺ، ۱۸۷
۷. پیش‌گامی در انجام امور خیر، ۱۸۸
۸. خریدن چاه «رومّة» و اجازه استفاده آن به همگان، ۱۸۹

روایات متفرقه

دسته‌ای از روایات فضایل وجود دارند که به راحتی نمی‌توان آنها را در یکی از عناوین فوق‌الذکر جای داد. از این رو، به‌ناچار در بخشی با عنوان «روایات متفرقه» از موضوعات مطرح در این دسته از روایات می‌کنیم:

۱. فصاحت، ۱۹۰
۲. تمجید پیامبر ﷺ از یک فرد با عبارت‌های «نِعْمَ الرَّجُلُ فُلَانٌ» یا «نِعْمَ الرَّجُلُ فُلَانٍ لَوْ...»، ۱۹۱
۳. برتری و جایگاه والای فرد در نزد مردم پیش و پس از وفات پیامبر ﷺ، ۱۹۲
۴. همسر پیامبر در دنیا و آخرت، ۱۹۳
۵. دستور پیامبر ﷺ مبنی بر بستن درها [بی‌ی که به مسجد نبوی ﷺ گشوده می‌شدند] مگر در [خانه] فردی خاص، ۱۹۴
۶. تأیید و پذیرش قضاوت (داوری) فرد در یک مسأله ۱۹۵ از سوی پیامبر ﷺ،

-
۱۸۲. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۴۲، ح ۳۸۰ و ۳۸۰۲.
 ۱۸۳. همان، صحیح البخاری، ص ۲۹۹، ح ۳۶۷۹ و ۳۶۸۰؛ صحیح مسلم، ص ۱۰۹۹، ح ۶۱۹۸ و ۶۲۰۱.
 ۱۸۴. همان، صحیح مسلم، ص ۱۱۰۰، ح ۶۲۰۹ و ۶۲۱۱.
 ۱۸۵. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۰، ح ۳۶۸۷.
 ۱۸۶. صحیح البخاری، ص ۳۰۸، ح ۳۷۹۸.
 ۱۸۷. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۳، ح ۳۷۰۸؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۹، ح ۳۷۶۶ و ۳۷۶۷.
 ۱۸۸. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۰، ح ۳۶۷۵.
 ۱۸۹. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۳، ح ۲۷۰۳.
 ۱۹۰. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۴۹، ح ۳۸۸۴.
 ۱۹۱. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۴، ح ۳۷۳۹؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۹، ح ۳۷۵۷ و ۳۷۵۹ و ۲۰۴۲، ح ۳۷۹۵.
 ۱۹۲. صحیح البخاری، ص ۲۹۷، ح ۳۶۵۵ و ۳۰۱، ح ۳۶۹۸؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۳۴، ح ۳۷۰۷.
 ۱۹۳. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۶، ح ۳۷۷۲؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۹، ح ۳۸۸۰ و ۲۰۵۰، ح ۳۸۸۹.
 ۱۹۴. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۰، ح ۳۶۷۸.
 ۱۹۵. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۹، ح ۳۷۰۴.

۷. وزیر پیامبر ﷺ بر روی زمین. ۱۹۶

روایات اختصاصی اهل بیت

دسته‌ای دیگر از روایات فضایل و مناقب، به فضایل اختصاصی مربوط به اهل بیت ﷺ اشاره دارند که دیگران از شرف برخوردار نیستند. این گونه مناقب و فضایل بی‌بهره‌اند. شایسته بود که ضمن اشاره به جلوه‌هایی از مناقب اهل بیت ﷺ در دسته‌ها و عناوین هفت‌گانه پیش، به گونه‌ای ویژه و جداگانه، از گوشه‌هایی از مناقب اختصاصی خاندان نبوی ﷺ - که در جوامع حدیثی مذکور بدان‌ها اشاره شد - یاد کنیم. در ادامه، مهم‌ترین موضوعات مطرح در این دسته روایات از نظر خواهد گذشت:

۱. دستور (توصیه اکید) پیامبر ﷺ مبنی بر محبت نسبت به اهل بیت ﷺ، ۱۹۷
۲. پاسداری [حریم] اهل بیت پیامبر ﷺ، ۱۹۸
۳. یادکرد امام حسن ﷺ از سوی پیامبر ﷺ با عنوان سرور (سید)، ۱۹۹
۴. غضب فاطمه ﷺ برابر است با غضب پیامبر ﷺ، ۲۰۰
۵. معرفی امام علی ﷺ به عنوان پاره تن پیامبر ﷺ از سوی آن حضرت و اشاره به این نکته که او پس از پیامبر ﷺ سرپرستی مؤمنان را به دوش خواهد کشید، ۲۰۱
۶. سخن پیامبر ﷺ مبنی بر این که هرکس را من [تاکنون] ولی و سرپرست بوده‌ام، زین پس علی ﷺ سرپرست خواهد بود، ۲۰۲
۷. حدیث «خَضَفَ النُّعْلَ»، ۲۰۳
۸. حدیث «طَیْرَ»، ۲۰۴
۹. حدیث «سَدَّ الْأَبْوَابَ»، ۲۰۵
۱۰. حدیث «نَجْوَا»، ۲۰۶

۱۹۶. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۱، ح ۳۶۸۰.

۱۹۷. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۴۱، ح ۳۷۸۹.

۱۹۸. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۳، ح ۳۷۱۳ و ص ۳۰۵، ح ۳۷۵۱؛ ابوبکر: «أَرْقُبُوا مُحَمَّداً فِي أَهْلِ بَيْتِهِ». البته نباید از دیده پنهان داشت که با توجه به رخدادهای ناگوار پس از درگذشت پیامبر ﷺ، به نظر می‌رسد منظور ابوبکر از بیان این سخن نکته‌ای غیر از پاس داشت حریم اهل بیت ﷺ بوده و آن تحت نظر داشتن رفتار اهل بیت ﷺ به منظور کنترل جریان سیاسی جامعه اسلامی در آن روزگار حساس. شواهد بی‌شمار تاریخی نیز بدین نکته اشاره دارند.

۱۹۹. صحیح البخاری، ص ۲۹۵، ح ۳۶۲۹ و ص ۳۰۵، ح ۳۷۴۶؛ جامع ترمذی، ص ۲۰۴۰، ح ۳۷۳.

۲۰۰. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۳، ح ۳۷۱۷ و ص ۳۰۶، ح ۳۷۶۷.

۲۰۱. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۴، ح ۳۷۱۲؛ إِنَّ عَلِيّاً مَنِيَّ وَأَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَغْدَى.

۲۰۲. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۴، ح ۳۷۱۳؛ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَقُلِي مَوْلَاً.

۲۰۳. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۴، ح ۳۷۱۵.

۲۰۴. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۵، ح ۳۷۲۱.

۲۰۵. جامع ترمذی، ص ۲۰۳۶، ح ۳۷۲۷ و ۳۷۲۲.

۲۰۶. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۶، ح ۳۷۲۶. پیامبر ﷺ در پاسخ به معترضین نسبت به نجوای ایشان با امام علی ﷺ فرمود: مَا أَتَجَبُّهُ

۱۱. معرفی امام علی علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان تنها کسی که شایستگی جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله را داراست، ۲۰۷

۱۲. سخن پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر این که بهشت مشتاق علی علیه السلام، عمار و سلمان است، ۲۰۸

۱۳. حدیث ثقلین (اشاره به پیامبر صلی الله علیه و آله به مقام و جایگاه والای اهل بیت علیهم السلام / تمسک به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مایه نجات از گمراهی / سفارش پیامبر مبنی بر رعایت حقوق اهل بیت علیهم السلام / معرفی اهل بیت علیهم السلام به عنوان تنها مصادیق عترت پیامبر صلی الله علیه و آله)، ۲۰۹

۱۴. نزول آیه مباهله ^{۲۱۰} در شأن امام علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام و حسنین علیهم السلام، ۲۱۱

۱۵. نزول آیه تطهیر ^{۲۱۲} در شأن امام علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام و حسنین علیهم السلام، ۲۱۳

۱۶. رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله از امام علی علیه السلام به هنگام رحلت. ۲۱۴

در پایان این بخش ذکر یک نکته ضروری به نظر می‌رسد و آن اینکه هر دسته از مناقب و فضایل ذکر شده از مرتبه، ارزش و حد دلالت خاصی برخوردار است. دسته‌ای از مناقب و فضایل مقطعی بوده و بر فضیلت فرد یا گروه در یک مدت زمان معین دلالت می‌کنند. دسته‌ای دیگری از مناقب به برتری یک فرد یا گروه در یک زمینه یا مسأله اشاره دارند. دسته‌ای دیگر صرفاً به منقبت یک فرد یا گروه اشاره دارند؛ بی‌آن‌که به برتری آن فرد یا گروه بر دیگر افراد یا گروه‌ها حکم کنند، در مقابل دسته دیگری از مناقب و فضایلی وجود دارند که همواره و در همه زمان‌ها و مکان‌ها به برتری یک فرد یا گروه بر دیگر افراد و گروه‌ها در همه زمینه‌ها اشاره دارند.

نتیجه

از آنچه بدان اشاره شد، می‌توان دریافت که مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام نخستین بار در دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله با هدف معرفی برترین الگوهای اخلاقی و رفتاری در همه زمینه‌ها صورت گرفته است. صدور پی در پی احادیث اختصاصی و منحصر به فرد از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله در منقبت و فضیلت اهل بیت علیهم السلام، خود، گواه روشنی بر برتری انکارناپذیر آنان بر دیگران در همه عرصه‌هاست. پیشترینه عالمان اسلامی، با وجود اختلاف آراء، اندیشه‌ها و مذاهب، از این حقیقت سخن گفته‌اند. دنیاطلبی و حق‌ستیزی گروهی از کسانی که هدف اصلی صدور روایات مناقب اهل بیت علیهم السلام را نادیده

﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ الْمُتَنَجِّةَ﴾.

۲۰۷. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۳۵، ح ۳۷۱۹: علی بنی و أنا من علی ولا یؤدی عنی إلا علی.

۲۰۸. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۴۲، ح ۳۷۹۷.

۲۰۹. همان، جامع ترمذی، ص ۲۰۴۱، ح ۳۷۸۶ و ۳۷۸۸: صحیح مسلم، ص ۱۱۰۲، ح ۶۲۲۵ و ۶۲۲۸.

۲۱۰. سوره آل عمران، آیه ۶۰.

۲۱۱. صحیح مسلم، ص ۱۱۰۱، ح ۶۲۲۰: جامع ترمذی، ص ۲۰۳۵، ح ۳۷۲۴.

۲۱۲. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲۱۳. همان، صحیح مسلم، ص ۱۱۰۴، ح ۶۲۶۱: جامع ترمذی، ص ۲۰۴۱، ح ۳۷۸۸ و ص ۲۰۴۸، ح ۳۸۷۱.

۲۱۴. همان، صحیح البخاری، ص ۳۰۲، باب ۹.

انگاشته بودند، آنان را به سوی کنار زدن حقوق و حقایق و مبارزه و ستیز بر سر طرح مناقب و فضایل نداشتند. رویارویی دو گروه از مسلمانان در آوردگاه سقیفه به روشنی از این حقیقت پرده برمی دارد. بار دیگر و در برهه دیگری از تاریخ اسلام، منفعت طلبی و دستیابی به اهداف سیاسی، گروهی دیگر را بر آن داشت تا از بالندگی نهالی که رسول خدا ﷺ در دوران حیات خود آن را به بار نشانده بود و خود همواره و همه جا در حفظ آن کوشیده بود، جلوگیری کنند، پندها و سفارش های پیامبر درباره اهل بیت ﷺ و مناقب و فضایل آنان را به فراموشی سپرده، برای دستیابی به اهداف دنیوی خود شمشیر مبارزه با آنان را آخته سازند. پنهان ساختن و گاه از میان بردن مناقب و فضایل اهل بیت ﷺ و ممنوع ساختن نقل آنها، جعل و وضع روایاتی در فضیلت خلفا و صحابه و مبارزه همه جانبه با نشر و گسترش مناقب اهل بیت ﷺ گوشه هایی از کوشش های صورت گرفته برای تحقق این هدف به شمار می رود.

با وجود آن که مخالفت ها و تلاش های مقابله جویانه بسیاری در جهت از میان بردن نام و یاد اهل بیت ﷺ صورت گرفت، اما گروه بسیاری از محبتان و ارادتمندان اهل بیت ﷺ، به مبارزه با این جریان همت گمارده و با نگارش کتاب ها و رساله هایی در منقبت و فضیلت اهل بیت ﷺ، به یاری حقیقت شتافتند. همان گونه که مشاهده کردیم، در این باره شیوه ها و سبک های متنوع تألیفی از سوی نگارندگان مورد توجه قرار گرفته است. در بخش دیگری از این پژوهش با بررسی مناقب و فضایل مطرح شده در روایات بدین نتیجه رسیدیم که مناقب و فضایل افراد یا گروه ها با اثرپذیری از شرایط مختلف زمانی، مکانی و ...، از حد دلالت، ارزش و اعتبار متفاوتی برخوردار است که باید مورد توجه و دقت نظر قرار گیرد.

کتابنامه

- الإختصاص، محمد بن محمد بن نعمان، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت: دار المفید للطباعة والنشر و التوزیع، دوم، ۱۴۱۴ ق.
- اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: مهدی رجایی، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ لإحياء التراث، ۱۴۰۴ ق.
- الأعلام، خیرالدین زرکلی، بیروت: دار العلم للملایین، پنجم، ۱۹۸۰ م.
- إمتاع الأسماع، تقی الدین احمد بن علی بن عبد القادر بن محمد مقریزی، تحقیق: محمد عبد الحمید النمیس، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ ق.
- أهل البيت فی المكتبة العربیة، عبدالعزیز طباطبائی، قم، مؤسسة آل البيت ﷺ لإحياء التراث، ۱۴۱۷ ق.
- الإيضاح، فضل بن شاذان ازدی، تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ ش.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، تحقیق: عبد الرحیم ربانی شیرازی،

بیروت، مؤسسة الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق.

- تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی زبیدی، بیروت: المكتبة الحیاء، بی تا.
- تاریخ الإسلام، ابوعبدالله محمد بن احمد بن عثمان، تحقیق: عمر عبد السلام تدمری، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- تاریخ مدینة دمشق، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله، ابن عساکر، تحقیق: علی شیر، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
- تاریخ الأمم والملوک (تاریخ الطبری)، ابوجعفر محمد بن جریر طبری، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
- تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر، قم: مؤسسة نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، بی تا.
- تدوین السنة الشریفة، محمدرضا حسینی جلالی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۱۸ق.
- ترتیب إصلاح المنطق، یعقوب بن اسحاق بن سکیث اهوازی، ترتیب و تقدیم و تعلیق: محمدحسن بکایی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
- التمعج من غلطات العامة فی مسألة الإمامة، ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراچی، تصحیح: فارس حسون کریم، بی جا، بی تا.
- تقریب المعارف ابوصلاح تقی بن نجم حلبی، تحقیق: فارس تبریزیان الحسون، بی جا، ۱۴۱۷ق.
- الثقات، ابی حاتم محمد بن حبان بن احمد تمیمی بستی، حیدرآباد، مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۳۹۳ق.
- ثواب الأعمال، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، قم: منشورات الشریف الرضی، دوم، ۱۳۶۸ش.
- حیات الإمام الحسین بن علی (ع)، باقر شریف قرشی، نجف: مطبعة الآداب، ۱۳۹۴ق.
- الخصال، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، آقابزرگ تهرانی، بیروت: دار الأضواء، سوم، ۱۴۰۳ق.
- رجال ابن الفضل، أحمد بن حسین غضائری، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- رجال الطوسی، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
- السیفة وفدک، أحمد بن عبدالعزيز جوهری، تحقیق: محمدهادی امینی، بیروت: شركة الکتبی للطباعة والنشر، سوم، ۱۴۱۳ق.
- النشانی فی الإمامة، علی بن حسین موسوی، قم: مؤسسة اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.

- شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحديد، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۷۸ ق.
- الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، إسماعیل بن حماد جوهري، تحقیق: أحمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- صحيح ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد ابی حاتم تمیمی بستی، تحقیق: شعیب أرنؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة، دوم، ۱۴۱۴ ق.
- صحيح البخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بخاری، استانبول: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، بیروت: دار صادر، بی تا.
- التدیر فی الكتاب والسنة والأدب، عبدالحسین احمد، علامه امینی، بیروت: دار الكتاب العربی، چهارم، ۱۳۹۷ ق.
- غریب الحديث، ابو عبید قاسم بن سلّام، تحقیق: محمد عبدالمعید خان، بیروت: دارالكتاب العربی، ۱۳۸۴ ق.
- فهرست ابن النديم، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب اسحاق بن ندیم، تحقیق: رضا تجدد، بی جا، بی تا.
- الفهرست ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق.
- فهرست أسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشی)، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس نجاشی، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، پنجم، ۱۴۱۶ ق.
- فهرست متجب الدین، منتجب الدین بن بابویه، تحقیق: جلال الدین محدث ارموی، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ۱۳۶۶ ش.
- الفقاموس المحيط، مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی، بیروت: دارالعلم، بی تا.
- الكافي، ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالكتب الإسلامية، پنجم، ۱۳۶۳ ش.
- الكامل فی التاريخ، ابوالحسن علی بن ابوالکرم بن اثیر جزری، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
- كتاب الثمین، ابو عبدالرحمان خلیل بن احمد، فراهیدی، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، بی جا، دارالهجرة، سوم، ۱۴۰۹ ق.
- کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، اتان گلبیرگ، ترجمه: علی قزایی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه عمومی آية الله العظمى مرعشي نجفی، ۱۳۷۱ ش.
- لسان العرب، ابوالفضل محمد بن مکرم بن علی بن منظور، بی جا، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵.
- لسان المیزان، ابوالفضل احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۳۹۰ ق.
- ما تَزَلَّ مِنَ الْقُرْآنِ فِي عِلِّيٍّ، ابوبکر احمد بن موسی بن مردويه اصفهانی، تحقیق: عبدالرزاق محمد

- حسین حرزالدین، قم: دار الحديث، ۱۴۲۲ق.
- مجمع البحرين و مطلع النیرین، فخرالدین بن محمد، طریحی، تحقیق: احمد حسینی، بی‌جا، مکتب نشر الثقافة الإسلامية، دوم، ۱۴۰۸ق.
- المصنّف، ابوبکر عبد الرزاق بن همام صنعانی، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، بی‌جا، منشورات المجلس العلمی، بی‌تا.
- معالم العلماء فی فهرست کتب الشيعة و أسماء المصنفين منهم قديماً و حديثاً، أبو عبد الله محمد علی بن شهر آشوب بن کیاکی، نجف: المطبعة الحيدرية، دوم، ۱۳۸۰ق.
- معجم رجال الحديث، ابوالقاسم، موسوی خویی، بی‌جا، مرکز نشر الثقافة الإسلامية، پنجم، ۱۴۱۳ق.
- معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت (صلوات الله عليهم)، عبد الجبار رفاعي، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ش.
- معجم مقایس اللغة، ابوالحسین أحمد ابن فارس، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبة الإعلام الإسلامي، ۱۴۰۴ق.
- المعيار والموازنة فی الفضائل الإمام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، ابوجعفر محمد بن عبد الله اسكافي معتزلی، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت، ۱۴۰۲ق.
- مفردات غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد، راغب اصفهانی، بی‌جا، دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴ق.
- مقتضب الأثر فی النص علی الأئمة الاثني عشر، احمد بن عبيدالله بن عياش جوهری، قم: مکتبة الطباطبایی، بی‌تا.
- من لا یحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین صدوق، قم: انتشارات جامعه مدرّسين حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۰۴ق.
- المناقب والمثالب، ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی، قاضی نعمان مغربی، تحقیق: ماجد بن أحمد العطية، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.
- موسوعة الحديث الشريف (الكتب الستة) زیر نظر: صالح بن عبدالعزيز بن محمد بن ابراهيم، ریاض: دارالسلام، ۱۴۲۰ق.
- موسوعة مؤلفی الإمامية، مجمع الفكر الإسلامي، قم: معاونت آموزشی پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۲۰ق.
- النص علی امیر المؤمنین (عليه السلام)، علی عاشور، بی‌جا، بی‌تا.